هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۴۴ | چهارشنبه ۵ حوت ۱۳۸۳ | ۱۴ محرّم الحرام ۱۴۲۶ - 2005 23 February

سرمقاله
جهاد و مجاهدان وحقوق بشر در افغانستان ص۲

سخنی درباب گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر ص۷

محیط های غیر سیاسی ص۲

استاد در همایش بزرگداشت ازعاشورا و سوم حوت:

برخی از کسانی که مجاهدین را متهم به نقض حقوق بشر کرده اند خود از دهشت افگن ترین گروه های ستالینستی هستند



به تاریخ ۳ حوت سال روان همایشی با شکوه در سالن هتل انصاف از طرف شورای آزادگان به مناسبت بزرگداشت از روزعاشورا وحماسهٔ خونین ۳حوت ۱۳۵۸ شهریان کابل برگزار شد که گزارش مفصل آن در همین شماره به نشر رسیده است. استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت، در این همایش در باب عاشورا وسوم حوت و توطئهٔ گزارش کمیسیون نام نهاد حقوق بشر سخنرانی کردند که متن کامل آن را اینک ملاحظه می کنید.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله و کفی وسلام علی عباده الذین اصطفی. وبعد:

درود بی پایان بر روان همه شهدای کشور و به خصوص شهدای سوم حوت وسلام به همسنگران و دلیر مردان معرکه های پر افتخار جهاد و مقاومت!

امروز از سوم حوت؛ سالروز قیام مردم کابل در برابر اشغالگران و مزدورانی که بر کشور ما یورش برده بودند، تجلیل می نماییم. و این روز از پر افتخار ترین روزها در تاریخ افغانستان به شمار می رود.

همچنان در فرهنگ اسلامی، ما به نام حرام ماهایی داریم که در این ماه ها در طول تاریخ واقعاتی رخ داده است، مثلاً در این ایام پیغمبر علیه السلام در حجه الوداع ماندگار ترین پیام خود را که در تاریخ به نام خطبهٔ حجه الوداع ثبت است، ایراد فرمودند و برای تمام مسلمانان جهان گفتند:

"ای مردم همهٔ تان از آدم هستید، و آدم از حوا ست.

ای مردم! پروردگار شما یک است، و پدر تان یکی است، همهٔ تان اولاد آدم هستید و آدم از خاک است. ص۳





از بیست وپنجمین سالروز قیام خونین ۳ حوت شهریان کابل تجلیل به عمل آمد

سوم حوت یکی از روزهای خونین وپرحماسه در تاریخ معاصر کشور ما می باشد، در این روز، مردم، با ایمان کامل در برابر متجاوزان آن زمان قیام کردند و نفرین خود را علیه اهریمنان ابراز داشتند.

در همایشی که به همین مناسبت در سالن هتل انصاف و به ابتکار شورای آزادگان برگزار گردیده بود، استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان، استاد سیاف رهبر اتحاد اسلامی، محمد یونس قانونی وزیر پیشین معارف، سید محمد علی جاوید، رهبر حرکت اسلامی ص۵

همایش های بزرگداشت از عاشورا

با حضور گستردهٔ مردم برگزار شد

در بزرگداشت از دهم محرم، روز شهادت حضرت امام حسین و یارانش رضی الله عنهم، محافلی در مساجد و تکایای شهر و ولایات کشور برگزار گردید.

در برخی از این محافل معاونان رئیس جمهور و تعدادی از وزرای کابینه اشتراک داشتند وسخنرانی کردند. آقای احمد ضیا مسعود معاون اول و سرپرست ریاست جمهوری، در همایش بزرگداشت از عاشورای حسینی در تکیه خانهٔ چنداول سخنرانی کرد و گفت: حضرت امام حسین"رض" سمبول آزادگی، مقاومت، ایثار گری وصداقت در راه اسلام بود و اگر ما می خواهیم؛ سر بلند زندگی نماییم. باید از امام حسین وقیام او الگو بگیریم وهیچگاه در برابر ظلم و ستم سر تسلیم فرود نیاوریم.

در این محفل سخنرانان دیگر نیز در مورد حماسهٔ تاریخی کربلا سخنرانی کردند.

حامد کرزی در کنفرانس جده:

افغانستان در وصل کردن کشورها و تمدن ها نقش تاریخی خود را ادا می کند

حامد کرزی در کنفرانس اقتصادی جده از سرمایه گذاران منطقه خواست تا به خاطر توسعهٔ اقتصادی افغانستان از فرصت های مساعد شده برای سرمایه گذاری در این کشور استفاده نمایند. ششمین کنفرانس اقتصادی به تاریخ اول حوت در شهر جده پایتخت عربستان سعودی با اشتراک ۲۰۰۰ نماینده وهیأت های بلند پایهٔ ۲۵ کشور جهان برگزار گردید.

در این کنفرانس آقای حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان، وزرای خارجه، مالیه، تجارت، اقتصاد و مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری اشتراک داشتند.

در این کنفرانس روی چگونگی دریافت ظرفیت ها، توسعه ورشد اقتصادی بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

در این کنفرانس آقای کرزی بیانیه یی ایراد کرد و بر ضرورت ایجاد امکانات تجارتی و رشد سرمایه گذاری تأکید ورزید و گفت: شاهراه تاریخی ابریشم، شاهراه بزرگ معلوماتی و تجارتی بود که از طریق آن علوم و ام وال تجارتی با عبور از چین وافغانستان به قلب اروپا می رفت.

امروز افغانستان آماده است تا نقش تاریخی خود را در وصل کردن ممالک وتمدن ها بازی کند. وی گفت با اعمار شاهراه های جدید، به زودی تمام مراکز آسیای میانه از خلیج، کمتر از ۳۲ ساعت فاصله خواهند داشت. در این کنفرانس در پیرامون انتقال گاز طبیعی از کشور ص۳

کودکان قربانی سرمای شدید شدند

گزارش های تکان دهنده یی دریافت گردیده است که به اثر سرمای شدید زمستان و امراض ناشی از آن صدها تن از شهروندان ما در مرکز و ولایات جان های شان را از دست داده اند. بیشتر این جان باختگان کودکان می باشند. به گفتهٔ وزیر صحت عامه در مرکز شهر کابل حدود نهصد کودکی که در شفاخانه های شهر بستری گردیده اند ۴۶ تن آنها هلاک شده اند.

وزیر صحت عامه از مؤسسهٔ CHA وکاتولیک یا کمک های خیریهٔ عیسوی برای مردم افغانستان انتقاد کرد که تعداد کودکان تلف شده از اثر سرما در ولایت غور را یکهزار گزارش داده اند. بر اساس گزارش های رسیده در ولایت غور ۶۴ کودک از اثر ص۶

حاجیان افغانستان در سرزمین حرمین

مدیریت بد و سطح پایین فرهنگ

واقف حکیمی

آنچه در این نوشتار می آید نه گزارشی است کامل از حوادث سفر حاجیان افغانستان و همه موارد گفتنی آن، بل اشارتی است به مسلمات نابسامانیهای آنان در این سفر توسط کسی که خود یکی از شهود در بسیاری از صحنه های بروز این نابسامانیها بوده است.



امسال از کشور ما افغانستان سی هزار نفر به قصد ادای مناسک حج وارد سرزمین حجاز شده بودند که دیروز دوشنبه ۳ حوت آخرین گروه آنان به وطن بازگشتند.

هرچند سفر حج به گونهٔ طبیعی خود آمیخته با نوعی از دشواری و ریاضت است و به همین جهت شرط برگزاری اش در آیت فرضیت آن توانایی "استطاعت" ذکر شده است «ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً» ، ولی حاجیان افغانستان در این چندین سال از مشکلاتی بالاتر از مشکلات عادی شکایت داشته اند حاجیان امسال از همان روزهای آغازین این سفر میمون از مسجد عیدگاه شهر کابل تا روزهای واپسین بازگشت از مشکلات بیشتر از سالهای گذشته سخن گفته اند و شکایات آنان در بسیاری از وسایل ارتباط جمعی درونی و بیرونی گاهی بازتاب گسترده داشته است.

بنده که به لطف الهی امسال شرف حضور در زمرهٔ مهمانان بیت عتیق را یافته بودم شاهد برخی از احوال حاجیان ومشکلات آنان بودم. مشکلات حاجیان از دید بنده در کل به دو عامل اساسی باز می گردد: مدیریت بد وسطح پایین فرهنگ بسیاری از حاجیان. چند مشکل عمده ناشی از مدیریت بد بود که می توان از آنها مشکل مواصلات، و مشکل اسکان در مکه و مدینهٔ منوره، و مشکل تهیهٔ غذا و... را نام برد.

حاجیان از همان آغاز سفرشان از کابل از نرسیدن به وقت هوا پیماهای آریانا شکایت واعتراض داشتند و این مشکل در حین بازگشت آنان به دلیل خرابی هوای کابل و برف باری های پیهم مضاعف شد. بسیار واضح بود که شرکت آریانا با صرف نظر از مشکلات ناشی از خرابی هوا در انتقال و باز گردانیدن به وقت و منظم حجاج چندان موفقیتی نداشت، در حالی که انتقال حجاج افغانستان را در انحصار گرفته بود، شماری کافی از هوا پیما در اختیار نداشت، به همین دلیل مجبور شد تا برخی از هوا پیماهای ص۸

از شنیده هایی که خواندنی است! ص۶

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

جهاد و مجاهدان و حقوق بشر در افغانستان

دانشمندان اسلامی مقاصد شرع را تأمین پنج اصل بنیادین معرفی داشته اند که همه موارد زندگی کرامتمند انسانی بر محور این پنج اصل استوار گردیده است و این پنج بنیاد عبارت از حفظ دین و حفظ جان و حفظ نسل و حفظ دارایی وحفظ عقل آدمی است. جهاد نیز در دید دانشمندان اسلامی برای پاسداری از این ارزشها فرض گردیده است. آیات و احادیثی فراوان وجود دارد که دال بر تبیین و تفصیل این مطلب است ولی ما در این جا به ذکر چند تا از آنها اکتفا می کنیم:

قرآن کریم در بیان فلسفهٔ جهاد می فرماید: **(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا أخرجنا من هذه القریه الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنک ولیاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً)** "چرا در راه خدا و در راه رهایی مردان و زنان و کودکانی مستضعف که می گویند: پروردگارا ما را از این جامعه یی که اهل آن ستمکارانند بیرون کن و از نزد خویش برای ما یار و مددگاری بفرست، جهاد نمی کنید."

در این آیت کریم علت مشروعیت جهاد رهانیدن مردان و زنان و کودکان جامعه از اسارت و ناتوانی بیان شده است که آن را استبداد و زورگویی بر آنان تحمیل کرده است.

در آیتی دیگر قرآن کریم حتی آزادی دینی پیروان ادیان دیگر مانند مسیحیت ویهودیت را تنها در سایهٔ شمشیر مجاهدان متحقق می داند: **(ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد ...)** یعنی جهاد و مجاهدان نه تنها از حقوق انسانی مسلمانان دفاع می کنند که آنان پاسداران راستین آزادی های دینی پیروان ادیان دیگر نیز هستند.

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: **(من قتل دون دمه فهو شهید و من قتل دون ماله فهو شهید ومن قتل دون عرضه فهو شهید و من قتل دون اهله فهو شهید.)** "هرکس در دفاع از جان و مال و آبرو و خانواده اش کشته شود شهید شده است." این نصوص وصدها آیت و حدیث همانند آنها در تحریض و ترغیب به جهاد، فلسفهٔ جهاد را حمایت و نگه داری از این ارزش های انسانی بیان می دارد.

به همین دلیل بوده است که مسلمانان در طول تاریخ پرچم دار دفاع از حقوق و آزادی های انسانی بوده اند و در پیش از دورهٔ معاصر در هیچ دین وجامعه یی به سان دین اسلام و جامعهٔ اسلامی پیروان ادیان و نحله های دیگر از چنین حقوق و آزادی های انسانی برخوردار نبوده اند.

در افغانستان نیز مجاهدان برای تأمین این آزادی ها و حقوق انسانی دست به مبارزه زده اند و برای بر انداختن بنیاد استبداد و ستم قد بر افراشته اند. در این راه جان باخته و اسارت های جانکاه را متحمل شده اند و آن گاه که بنیان ستم را بر افگنده اند با دشمنان خویش از در عفو وبخشش پیش آمده اند چنان که پیامبر با دشمنان خویش کرده بود.

تنها مجاهدان بودند که در تاریخ افغانستان برای نخستین بار برخورد مسالمت آمیز و فرهنگ تحمل و تسامح در برابر مخالفان را رایج ساختند و دروازه های زندان های هول انگیز را بر روی مخالفان سیاسی خویش بستند وهیچ کسی را به جرم اندیشه و ایدئولوژی مخالف به زندان نیفگندند.

این روال حاکم بر کار مجاهدان بوده است، اما گروه هایی و افرادی منسوب به مجاهدان بی گمان نه تنها در برابر غیر مجاهدان که در برابر خود مجاهدان دست به جنایاتی زده اند که ننگی بر جبین انسانیت تلقی می شود. این جنایات وهمهٔ جنایات ضد بشری حکومت ها و نظام ها لا اقل در یک قرن اخیر در افغانستان باید مورد بررسی قرار گیرد و عاملان آن باز شناسی شوند. ولی این کار را باید نهادها و کسانی انجام بدهند که خود دارای اهلیت و صلاحیت باشند. کسانی که زندگی شان آمیخته با آدم کشی و ترور و تصفیه های درون حزبی است هرگز از چنین صلاحیتی بهره مند نیستند و نیز گماشتگان اجنبی هرگز اهلیت چنین کاری را ندارند. بسیاری از کسانی که امروز در رهبری کمیسیون نام نهاد مستقل حقوق بشر افغانستان قرار دارند خود دارای پروندهای جنایات ضد حقوق بشری هستند، پرونده های قتل های سیاسی وقتل های درون سازمانی. و این پرونده ها همین اکنون در مؤسسات حقوقی کشورهای همسایه محفوظ است.

نهادهای بین المللی اگر به راستی طرفدار ارزش های انسانی و حقوق بشری هستند پیش از این که اینان را به عنوان متولیان حقوق بشر در افغانستان یاری برسانند باید پس منظر زندگی جنایت آلود آنان را مورد بررسی قرار بدهند.

مبارزه و تلاش برای تأمین حقوق و آزادی های انسانی در افغانستان یک فریضهٔ دینی و یک رسالت ملی است که تنها انسان های وارسته و پاکباز از عهدهٔ آن به در می آیند، و نه یک ژست و ادای بلهوسانه وچاکر منشانه که کار دلقکان و فرومایگان است.

محیط های غیر سیاسی ۲

محمد نسیم فقیری

محور اصلی بحث محیط های غیر سیاسی، مکاتب، مدارس، پوهنتون ها و سایر مؤسسات تحصیلات عالی است. زیرا قانون در این مورد صراحت ندارد. همچنین محیط های تحصیلی با محیط های عسکری و یا محاکم و سارنوالی ها تفاوت زیادی دارد.

بند سوم مادهٔ سیزدهم قانون احزاب سیاسی "قضات، سارنوالان، کادر رهبری قوای مسلح، افسران، خورد ضابطان و افراد نظامی، پولیس ومنسوبان امنیت ملی" را از عضویت در احزاب سیاسی - در دورهٔ تصدی و انجام وظایف - منع کرده است و این یک امر کاملاً منطقی و معقول است.

در اکثر کشورها، منسوبان نهادهای یاد شده از عضویت در احزاب سیاسی منع شده اند وفقط در کشورهای کمونیستی و رژیم های چپ گرا به دلیل وجود سیستم یک حزبی وحاکمیت مطلق حزب حاکم، افراد نظامی عمدتاً در رأس و شورای احزاب مذکور قرار دارند وهمچنین قاضی القضات و لوی سارنوال نیز از مقامات حزبی می باشند و...

اما در مورد غیر سیاسی بودن محیط های تحصیلی باید گفت:

این یک موضوع خیلی مهم وحساس است و باید از جوانب مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

۱- گفتیم که جامعهٔ ما با در نظر داشت تحولات سیاسی و انفاذ قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی و وجود آزادی های بیان و رسانه ها، یک جامعهٔ سیاسی شده و نمی توان سیاست را از محیط های مختلف کاری آن حذف و یا قدغن نمود!

۲- طبق احکام قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی اتباع کشور که "سن هجده سالگی را تکمیل وحق رأی دهی را قانوناً دارا باشند، می توانند عضویت حزب سیاسی را حاصل نمایند." بنا بر این به متعلمین و محصلین واجد شرایط نیز این حق داده شده است ونمی توان آنان را از عضویت در احزاب سیاسی منع نمود.

۳- اجازهٔ عضویت در حزب سیاسی بدین معنی نیست که عضو، محیط کاری و یا تحصیلی را به جولانگاه فعالیت های حاد سیاسی مبدل نماید و از هدف و کار وشغل اصلی خویش پا را فراتر گذارد و از ادامهٔ تحصیل بازماند و یا محیط را چنان سیاسی سازد که مانع تحصیل دیگران گردد و برای آنان مشکلات و موانع ایجاد نماید.

طوری که گفته می شود، تجیب آخرین رئیس رژیم کمونیستی - در حالی که استعداد لازم را دارا بود - از فاکولتهٔ طب در ده سال نتوانست فارغ گردد و عامل اصلی آن، اشتغال بیش از حد او به امور و فعالیت های سیاسی وغیر تحصیلی بود.

۴- تشکیل اتحادیه ها و فدراسیون های محصلین نیز با عضویت در احزاب سیاسی، فرق دارد.

اتحادیه های محصلین، اتحادیه های صنفی است و می تواند سیاسی و یا غیر سیاسی و همچنین مستقل و یا شاخه یی از احزاب سیاسی باشد.

در بعضی از کشورها - صرف نظر از ممنوعیت و یا مجاز بودن عضویت محصلین در احزاب - اتحادیه ها و فدراسیون هایی وجود دارد که به وضوح نشان دهندهٔ وابستگی آن ها به احزاب سیاسی است.

> **اجازهٔ عضویت در حزب سیاسی بدین معنی نیست که عضو، محیط کاری و یا تحصیلی را به جولانگاه فعالیت های حاد سیاسی مبدل نماید و از هدف و کار وشغل اصلی خویش پا را فراتر گذارد و از ادامهٔ تحصیل بازماند و یا محیط را چنان سیاسی سازد که مانع تحصیل دیگران گردد.**

درکشورهای همسایهٔ ما (ایران و پاکستان) می توان مثال های آن را مشاهده نمود. در ایران - پس از انقلاب - شاخهٔ دانشجویی حزب توده، سازمان فدائیان خلق و سازمان مجاهدین خلق و... فعالیت داشتند و امروز تشکلات دانشجویی مهم مانند دفتر تحکیم وحدت و انصار حزب الله و... وجود دارند.

درپاکستان، اتحادیه ها و فدراسیون های محصلین با داشتن تشابه رسمی، شاخه های احزاب سیاسی می باشند مانند:

- پیپلز ستودنتس فدریشن (شاخهٔ محصلین پیپلز پارتی)
- پختونخواه ستودنتس فدریشن (شاخهٔ محصلین حزب عوام ملی)
- اسلامی جمعیت طلبه (جماعت اسلامی)
- جمعیت طلباء اسلام(جمعیت العلمای اسلام)
- امامیه ستودنتس فدریشن (تحریک نفاذ فقه جعفریه) و...

ساحهٔ کار و فعالیت این اتحادیه ها، بیشتر سیاسی است و به نفع احزاب خویش کار می نمایند و کمتر به مسائل صنفی می پردازند.

همچنین فعالیت های انتخاباتی، تبلیغات و کار تشکیلاتی و از همه بد تر مناقشات و درگیری های لفظی و تصادمات فزیکی با اتحادیه های رقیب و... محیط پوهنتون ها را غیر سالم و نا مساعد برای هدف اصلی (تحصیل) می سازد و فاجعه وقتی به بار می آید که در دفاتر این اتحادیه ها در پوهنتون های پاکستان حتی اسلحه دیده می شود وبعضی از آن، کار نیز می گیرند!

۵- بهتر است تا به جای تشکلات جداگانهٔ محصلین، روی تشکیل اتحادیهٔ واحد محصلین در پوهنتون تأکید شود تا محصلین بتوانند نمایندگان صنوف خویش را به اتحادیه بفرستند و در حل مشکلات تحصیلی با اولیای امور همکاری و یا از حقوق خویش دفاع نمایند.

همچو اتحادیه ها را باید وزارت تحصیلات عالی به رسمیت بشناسد و آن را تشویق وحمایت نماید.

همچنین لازم است تا حدود فعالیت سایر تشکلات محصلین (خارج از اتحادیه) وحتی حدود فعالیت های سیاسی استادان و محصلین طی یک قانون و یا مقرره تثبیت ومشخص گردد.

به همین صورت لازم است تا اتحادیهٔ استادان نیز (از هر فاکولته و یا هر دیپارتمنت یک نفر) تشکیل گردد و یا شورای علمی و یا عالی هر پوهنتون به صورت انتخابی، شکل بگیرد تا سهم ومشارکت استادان نیز در اداره، رهبری و بهبود امور مؤسسات تحصیلی، یقینی گردد.

از همه مهم تر این که تمایلات حزبی، سمتی، زبانی و مذهبی نباید بر تدریس ونمره دهی تأثیر گذار باشد همان طوری که یک داکتر باید فارغ از این تمایلات، مریضان خویش را مداوا کند.

زموږ اسلامي دولت باید د پیښوله پیښیدو نه مخکي بیدار اوسي

پامیر

پدي وروستیو کي چي سخت ژمي پیل شو او پر له پسي واوري وشوي نو زموږ دهیواد زیاتره سیمي او په خاص ډول غرني ولایتونه ئي تر سختي اغیزي لاندي ونیول نږدي د 98 ولسوالیو حلقوي سړکونه واورو بند کړل، دغور، بادغیس، هرات، کندهار، دایکندي بامیانو، پکتیا او ننګرهار ولایتونو غرني کلي او باندي زیاتره د واورو تر ډیریو لاندي شول.

دځینو خبري سرچینو په حواله په ټول هیواد کي نږدي زر تنه ماشومان، سپین ږیري او سپین سري دهوا د سوړوالي له امله د ساه تنګي، یخ وهلو، شري او توري ټوخلي له امله په حق ورسیدل او لا تر اوسه په نوموړو غرنیو سیمو کي دغه راز خواشینوونکي ناورین روان دي چي د بده مرغه د واوري د توپان له امله دغو سیموته نه خوراکي مواد رسول کیدي شي او نه ورته لازمه دوا درمل او طبیب رسیدګي کولای شي.

آیا د روان ناورین مسئولیت دچا پر غاړه دي؟ موږ نږدي دري میاشتي مخکي د زیاترو غرنیو خلکو غوښتني په خپلو غوږو واوریدي، دغور خلکو څو څو خله له خپل ولسواکه دولت څخه هیله وکړه چي دوي ته د لاروله بندیدو مخکي لازم خوراکي مواد او درمل ورسوي، خو د بده مرغه چي نه ئي چارواکیو آواز واوريد او نه ئي ورته لازمه مرسته ورسوله چي دادي پابله ئي په هغه هیواد او دهغه په ګاوندکي د نورو غرنیو هیوادو دیو زیات شمیر سپین ګیرو او ماشومانو مرګ ژوبله ده.

زموږ هیله داده چي اوسني دولت چي دهیواد دټولو خلکو دمستقیم انتخاب او ارادي له مخي منځ ته راغلي باید په خپل وخت ئي خپل ګودامونه یعني خوراکي زیرمه شوي مواد او دارو درمل دغو غرنیو ولایتونو ته لیږدولي وي او د روانو پیښوله پیښیدو نه ئي مخکي وقایوي تدبیرونه نیولاي وي نه داچي اوس بي خایه او بي ثمره هلي ځلي کوي خو د پیښو ځاي ته نشي رسیدلای.

3مخ

برخی از کسانی که مجاهدین را متهم به نقض حقوق بشر کرده اند خود از دهشت افگن ترین ...

و هیچ گونه امتیازی نیست عربی را بر عجمی مگر به تقوا و پرهیزگاری.

ای مردم! امروزخون شما و مال های شما و آبروی شما حرام است همانند حرمتی که این ماه ها دارد برشما در این سرزمین تان.

همچنان در این خطبه فرمودند: "به تحقیق از زنان تان بر شما حقی است."

این خطبه یک دستور بزرگ جهانی به ارتباط حقوق و کرامت انسانی، و جلوگیری از تجاوز بر مال، جان، حیثیت و شرف هر انسان و احترام به مقام او و در نظر داشتن حقوق زن، می باشد.

در ماه محرم حادثهٔ درد انگیز شهادت نوادهٔ پیغمبر حضرت حسین رضی الله تعالی عنه با ۷۲ تن از رهروانش در کربلا به وقوع پیوسته است. واقعاً این حادثه، درد انگیزترین و هیجان بر انگیزترین حوادث به شمار می رود و بیانگر این است که جوانان مسلمان و مردم با ایمان - ولو با تعداد اندک - می توانند روند تاریخ را عوض کنند و حماسه بیافرینند.

گرچه می سزد ساعاتی در بارهٔ این حادثه صحبت کنیم که چگونه گرامی ترین فرزند پیغمبر صلی الله علیه وسلم به دست کسانی که خود را مسلمان می نامیدند، به شهادت رسید.

آن فرزندی که هنگام ادای نماز بر شانه های رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار می شد و تا زمانی که خودش پائین نمی آمد، رسول خدا سر از سجده بر نمی داشت.

در تاریخ جهاد و مقاومت افغانستان ما شاهد حوادثی همانند حادثهٔ کربلا هستیم. چنانچه در آن زمان کسانی بودند که به خاطر کشتن نوادهٔ پیغمبر صلی الله علیه وسلم کمر بستند و کشته شدن در این راه را شهادت تلقی کردند.

این گونه افراد امروز نیز درمیان مان وجود دارند که دست های شان به خون مسلمانان این کشور آغشته است وقار و حیثیت ملی و جهادی مان را زیر پا نمودند، و اینان قابل مجازات هستند ولی سر و صداهایی را به نام "صدای مردم برای تأمین عدالت" به راه انداخته اند وخواستار محاکمهٔ افرادی شده اند که جان نثاری آنان الگو و افتخار نه تنها برای افغانستان بلکه برای تمام جهانیان به شمار می رود.

چنانچه چارلس ولسن کانگرسمن یک شهروند آمریکایی از جملهٔ علاقه مندان جهاد و مجاهدین افغانستان بود. او به مجاهدینی که با او همسفر بودند، گفته بود: آرزو دارم که شانه به شانه با شما در میدان نبرد با روس ها بروم که بالآخره از اثر اصرارش به کمک سفیر آمریکا داخل صف مجاهدین شد و با لباس جهادی (جمپر و پکول) خود را با یک خانم دیگر آمریکایی ملبس ساخت و او فکر می کرد که به معراج آرزوهای خود رسیده است وبعداً به مرکز مولوی حقانی که در باجور پاکستان موقعیت داشت می پیوندد که در دوران کلنتن هفتاد راکت کروز بالای این مرکز فیر شد که گویا این جا مرکز بن لادن است.

ملتی که سالها در مقابل این متجاوزان جنگید، نباید بار دیگر مورد ژاژخایی ها و هرزه گویی های بیهودهٔ یک عده عناصر استفاده جو قرار بگیرد.

حوادث عجیبی! تا دیروز افراد آمریکایی با افتخار به این مرکز می پیوستند ولی امروز مورد تهاجم آمریکایی ها واقع می شود.

این رخدادها به خاطری به وقوع پیوست که مجاهدین پس از پیروزی شان تنها گذاشته شدند و علیه آنها توطئه ها به راه انداخته شد، مجاهدینی که تا دیروز به قهرمانان آزادی ملقب بودند ولی پس از شکست شوروی - که یگانه آرزوی غرب بود - لحن مطبوعات غربی تغییر کرد و القاب خراب کاران و جنایتکاران جای قهرمانان آزادی را گرفت که در اثر توطئه های خارجیان افرادی به نام طالب، جهت بدنام کردن طبقهٔ ملا وارد افغانستان شدند و می خواستند مجاهدین سرکوب شوند ولی بعد از واقعهٔ ۱۱ سپتامبر تاریخ به نفع افغانستان رقم می خورد.

پس از ۱۱ سپتامبر بار دیگر دنیا منافع و مصالح خود را با جبههٔ جهاد و مقاومت مرتبط می دانند و از آنان مطالبهٔ همکاری می نمایند. سرانجام همین مجاهدین با قوای ائتلاف بین المللی همکاری نموده و پایگاه های تروریزم را درهم می کوبند. اما چندی نمی گذرد بازهم مجاهدین آماج تبلیغات سوء در مطبوعات خارجی می گردند و به نام های جنگسالار و تفنگ سالار و... یاد می گردند و به خاطر به انزوا کشیدن مجاهدین تحت عناوین مختلف مانند DDR پروژه هایی به راه انداخته می شود.

ما ادعا نمی کنیم که تمام مجاهدین دوران جهاد و مقاومت فرشته بودند، و از اشخاصی همانند زرداد دفاع نمی کنیم.

جهاد و مقاومت دو پدیدهٔ تاریخی در کشور ماست که این دو افتخار مربوط به هیچ تنظیم خاص نیست بلکه به همهٔ ملت افغانستان مربوط می شود. اگر مبارزه با کمونیزم بین المللی کاری به جا بود، پس کسانی که در پیشاپیش این مبارزه قرار داشتند نباید مورد طعن و لعن و تشویه قرار گیرند. ملتی که سالها در مقابل این متجاوزان جنگید، نباید بار دیگر مورد ژاژخایی ها و هرزه گویی های بیهودهٔ یک عده عناصر استفاده جو قرار بگیرد.

ما نمی گوییم طالبان که برای بدنام نمودن علما گماشته شده بودند، مورد عفو قرار نگیرند و یا درجریان سیاسی این کشور سهیم نشوند و به زندگی طبیعی خود بر نگردند. ما مخالف این گونه نظریات هستیم. اما افرادی هم درمیان اینها وجود دارند که قابل عفو نیستند وقتل عام هایی را مرتکب شده اند.

وکسانی هم وجود دارند که در دوران تجاوز روس ها وحتی قبل از آنان مرتکب جنایاتی گردیده اند که این ها نیز قابل محاکمه اند.

جای تعجب اینجاست که بیش از چهار یا پنج هزار نفر را نام نویسی می کنند که این افراد باید محاکمه شوند!

آیا این منطق یک انسان بی شعور نیست؟ آیا این یک عقده نیست؟

بلی! تعدادی از افراد که طرفدار این گونه نظریه اند ستالینست هستند که از دهشت افگن ترین گروه ها به شمار می رود،

طوری که اشاره شد، عمده ترین پیام اسلام، احترام به کرامت و حقوق انسان است و هرکسی که جایت کرده باید محاکمه شود.

قبل از انتخابات ریاست جمهوری این گونه سر و صداها بلند شد که من نامه یی به آقای کرزی نوشتم و در آن نوشته بودم که نام ما در لست "ناقضین حقوق بشر" ثبت گردیده است، بناءً حالا وقت آن فرا رسیده است که باید تصفیهٔ حساب شود، ما چرا بهراسیم از تهمت ولی به هر تهمت گری که حیثیت و وقار ملی ما را صدمه برساند علیه افتخارات ملی مان توطئه نماید اجازه نخواهیم داد.

زمانی که مجاهدین پیروز شدند و به کابل آمدند هیچ کس از افراد دست اندرکار رژیم کمونیست را زندانی نساختیم وحتی یکی از آنها کشته نشد به جز از سه تن، شادان، منصور هاشمی وجنرال علومی که حقیقتاً نفهمیدم چگونه ترور شدند.

یک جنرال مارکسیست وزارت داخله بعد از پیروزی مجاهدین نزدم آمد و گفت که تقاعدم را بپذیرید گفتم که برادر! هرچه بود و به هر سازمانی که مربوط بوده یی گذشت. این کشور نه از من و نه از کسی دیگر بلکه افغانستان کشور همهٔ ما وشماست وهمهٔ ما وشما حق داریم که در ادارات این کشور کار کنیم و مصدر خدمت گردیم،

همچنان ما صحنه های خونینی را در دور ترین نقاط کشور به یاد داریم، پیر مردها را از هواپیماها به روی صخره ها پرتاب می کردند و پارچه پارچه می شدند، مجاهدین این گونه قاتلان و شکنجه گران را عفو کردند.

از همین رو بعضی از دوستان به من گفتند که از اثر گذشت بیش از حد شماست که به چنین سرنوشت مواجه شده اید.

اگر تاریخ افغانستان کالبد شگافی گردد و سال های قبل وبعد از تجاوز روس ها را به بررسی بگیریم می بینیم که چه وقایع و تجاوزاتی صورت گرفت که بعضی از افراد به نام مجاهد نیز در این تجاوزات دست داشتند که ما منکر آن نیستیم واین افراد باید محاکمه شوند ولی نه با این گونه تهاجم بی رحمانه یی که علیه مجاهدین به راه انداخته شده است و مؤسسات نشراتی هیچ وظیفه یی نداشته باشند به جز تبلیغات علیه مجاهدین.

به هر حال امروز که ما این روز پر افتخار را در افغانستان از جمله روزهای بزرگ می دانیم، به همه عزیزان و مجاهدین کشور که وارثان این روزها هستند توصیه می نماییم و دنیا هم باید متوجه آن باشد که ما به سادگی این افتخارات بزرگ خود را فراموش نمی کنیم، و پشیمان هم نستیم که چرا مارکسیزم بین المللی را درهم کوبیدیم و در مقابل تروریزم مقاومت نمودیم.

بناءً وارثان افتخارات کشور در برابر هیاهوی بیهوده هرگز نباید عقب نشینی کنند و بعد از این، هیچ انسان آزادمنش این اجازه را به هیچ ارگانی ندهد که افتخارات ملی مان را نادیده بگیرد و بر آن بتازد.

در شرایط فعلی همهٔ ما و شما باید برای تأمین امنیت و ثبات درکشورما بکوشیم چون افغانستان نیازمند امنیت است و این گونه غوغا آفرینی ها حرکتی است که امنیت کشور را مختل می سازد.

در شرایط فعلی همهٔ ما و شما باید برای تأمین امنیت و ثبات درکشورما بکوشیم چون افغانستان نیازمند امنیت است و این گونه غوغا آفرینی ها حرکتی است که امنیت کشور را مختل می سازد.

باید گفت که پول های جمع شده به خاطر این گونه تبلیغات چرا به کودکان مساکین و عاجز که از سرما جان می دهند، داده نمی شود؟

من امیدوار هستم که تمام ما و شما در تمام قضاوت و داوری های خود باید عادلانه برخورد کنیم، و کسانی که داوری می کنند اهل آن باشند و به افراد مغرض ومعلوم الحال هیچ نوع اجازه داده نشود که به نام این و آن داوری نمایند.

در اخیر از همه حاضرین محترم و اعضای شورای آزادگان ابراز تشکر می نمایم.

اقول قولی هذا استغفر الله لی ولکم ولسائر المسلمین

والسلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

زموږ اسلامي دولت باید د پیښوله پیښیدو نه ...

نن زموږ د نورستان، دایکندي، غور، بادغیس، هرات کندهار ولایتونو په بیلابیلو ولسوالیوکي زموږ اولس دخوراکي موادو، سون موادو، تودو جامو، کمپلو او درملو په لحاظ له زیاتو ستونزو سره لاس او ګریوان دي، له هر ولایت نه د پیښو د خپل شویو آوازونه پورته دي، خوراکي مواد او درمل غواړي خو څوک ئي په خپل وخت نه مرستي ته رسیدي شي او نه ورته د ارتیا وړ مواد ورلیږدولي شي.

موږ وینو چي په دي برخه کي داسلامي جمهوري دولت د وزیرانو شورا بي وخته غونډي وکړي او په داسي وخت کي ئي دخپلو خلکو د مرستي لپاره د څو وزیرانو په شمول یو ستر کمیسیون وټاکه چي اوبه له ورخه تیري وي، د ولایتونو او بیا د هر ولایت د ولسوالیو لاري او سړکونه ټول واوري بند کړي و، نو زموږ هیله داده چي اروند چارواکي باید د خپلي اسلامي عاطفي له مخي تل ددغه راز پیښو د خپل شویو لپاره په خپل وخت دمرستو رسولو پلان او پروګرام ولري او په راتلونکي کي له دغه راز پیښو څخه په عبرت اخیستلو سره مخکي له دي چي دغرنیو او لري پرتو ولایتونو، کلیو او بانډو لاري بندي شي باید د مرستي رسولو په غرض دخپلو مرستو کاروانونه ور واستوي او په خپل وخت تیاري ونیسي ترڅو زموږ هیوادوال وژغورل شي.

افغانستان در وصل کردن ممالک و تمدن ها ...

ترکمنستان به کشور های پاکستان وهندوستان نیز صحبت گردید.

حامد کرزی از سرمایه گذاران عرب خواست تا در افغانستان با استفاده از فرصت های مناسب در بخش های معادن و نفت وگاز سرمایه گذاری نمایند. او هنگام اقامت در کشور عربستان سعودی با شهزاده عبدالله ولیعهد عربستان سعودی و شوکت عزیز صدر اعظم پاکستان دیدار نمود و خواهان همکاری اقتصادی این کشورها با افغانستان گردید.

اقای کرزی در ملاقات با ولیعهد عربستان سعودی در پیرامون ایجاد یک مرکز اطلاعاتی به منظور مبارزه علیه تروریزم نیز بحث گردید.

اشغال افغانستان توسط شوروی
و تأثیر گذاری بر شعر فارسی دری این سرزمین

بخش ششم

محمد اسحاق فایز

و اما پرتو نادری چهرهٔ بارز دیگری از گروه شاعرانی است که مقاومت و ایستادگی را در برابر "شب" و "استیلای حاکمان شب اندیش" برگزید و در روزگار ویژه یی که دژخیمان مزدور، با اشغالگران، یکجا روشنی و روشنی اندیشان را به زیر چکمه های خونین و به زیر زنجیرهای تانک له، خورد و خمیر می کردند، پرچم مقاومت را از کف نداد.

وقتی دروازه های مشرق را می بندند تا آفتاب بر نتابد، "پرتو"، این گونه "آسمان تیره و منفور" را نفرین می کند و این گونه فریاد می کشد:

ای آسمان تیرهٔ منفور
خورشید تو کجاست
این جا هزار رستم دستان
از چاه
"از نهایت تاریکی"
چشمی به سوی جادهٔ مشرق کشوده اند

•

ما از تبار آتش و نوریم
دلبستگان معبد خورشید

ما را به سر هوای نیایش نیست
بر بارگاه تیرهٔ تاریخ

••

آخر کجا
چگونه
کدامین دقیقه من
باری نماز پاک سحر گه کنم ادا
ای آسمان تیرهٔ منفور
آیا ندیده ای که شبی زان شبان سرد
با دست شوم حادثهٔ نا مقدسی
دروازه های معبد خورشید بسته شد
وانگه دل سپید و بلورین اختران
تک تک به هر کنار
درهم شکسته شد

"حادثهـ مجموعهٔ سوگنامه یی برای تاک"

"دست شوم حادثهٔ نامقدس" تعبیر زیبایی است که می شود آن رابه رویدادها و حوادثی اطلاق کرد که در طی سه ده سال گذشته، گریبان ملت ما را گرفت و ما را در آتشی سوخت که دردش سالهای درازی همچنان احساس خواهد شد.

بازی پرتو در این بیان، شاعرانه و هنرمندانه است. اشکالی هم ندارد، هرچند او با زبان استعار صحبت می کند ولی تصویر و پنداشت هایش گویا و روشن است:

چسان گویم پیام اختران را
که سوز د حرف حرف او زبان را
نمی داند کسی از حال خورشید
که دیو شب گرفته آسمان را

(غزل بازبان بریده ـ همان)

زیبایی های این پنداشت های روشن و شاعرانه در این نکته نیز نهفته است که هر قماش سیاسی می تواند این شعر را برای اهداف و "راه" خودشان مناسب بداند:

کدامین دست این آشوب انگیخت
که بینم پاره پاره کهکشان را
ستاره از ستاره بی خبر ماند
نگر درد بزرگ بیکران را!

(همان)

یک نمونهٔ خوب دیگر از پرتو نادری می آورم. شعر "کتیبهٔ خونین" در همین گزینه:

این نخل را هوای بهاران نمانده است
این نخل را تمامی اندام
بشکفته از شکوفه صد زخم
-زخم هزار فاجعه در روز -
-زخم هزار حادثه در شب -
خونین کتیبه ایست
در چار سوی آن

وضعیتی که در آن "نخل" ها "هوای بهاران" را فراموش می کنند و در "چارسوی آن" "کتیبهٔ خونین" می بینی که از "زخم فاجعه" و از "زخم هزار حادثه" نوشته شده است:

این جا که آسمان
از ابرهای سرخ سترون
افگنده این قطیفهٔ خونین
بر سینهٔ شکسته تابوت
تابوت آبگینهٔ باران-
این نخل را هوای بهاران نمانده است

پر واضح است که نگاه شاعر در "کتیبهٔ خونین" نگاهی شاعرانه، سنجیده و زیباست که توضیح آن می تواند بیهوده و بیجا نیز باشد.

هیچکس تردید ندارد که "جوانمرگی اسطوره یی، از "ملیمه" عقاب وار، چکاد کوه پایه های شعر مقاومت را از این "گروه" در نور دید. او بارزترین جوان وجوانه یی بود که نمی شود برایش تام وتخلصی بهتر از "قهار" و بهتر از "عاصی" برگزید.

قهار عاصی، که پیکر دردمند و روح بزرگش پیوسته در "گریز گه تنگ" شهر نجوا می کشید، آبروی شعر مقاومت ما در درون نظام بود، او شاید پر کار ترین چهره از این دست نیز بود. عاصی آزادی را ستایش کرد، صدای برهنه پایانی را که برای حصول آزادی خون می دادند و جان، به اوج ها کشانید و در این راه دمی سکون و آرامش اختیار نکرد:

به حد جمجهٔ حرف های آزادی
گریز گه تنگ است
وعشق حلقهٔ داری است
عصمت آزادی
ازش جاری است
که مرگ بته کن و خوشه چین

(چه قوم عیاری ـ گزینهٔ تنها ولی همیشه)

"بته کنان" و "خوشه چینان" بودند که آیه های عشق را در کوه وکوتل ها و دره و دمن ها فریاد کردند و عاصی حق هم دارد که از ان ها به "عیاری" نام ببرد:

چه قوم عیاری
قدم قدم غم شان عشق
درد شان عشق است
به تابه سنگ دل این سلالهٔ خورشید
خمیرهٔ شکر و نو رپخته می گردد
چه قوم عیاری
چو در برابر مرگ ایستاده می گردند
عدو یشان نفس از سینه بر نمی آرد
چو میمیرند
عدو شان ز خجالت شراب می نوشد
چه قوم عیاری
چو در برابر مرگ ایستاده می گردند
دو جیب ثروت نقدینه می نهند بجای
یکی ز کشمش و توت

(همان / صـ ۱۵)

"چراغ آخر این کوچه" درونمایه یی پر دارد. عاصی با زبانی پر استفهام، از کسی سخن می زند که سراغ منزل تنهایی خودش را می گیرد. عاصی در این شعر نوعی از پیش نگریی درد آلود نیز دارد، هشداری سخت تکان دهنده و یأس آور، وقتی روشنی آخر کوچه را دلگیر می بیند:

چراغ آخر این کوچه سخت دلگیر است
کدام رهگذر آیا
شکسته گامش را)
سکوت بند دم سرد آرزویی کرد!
کدام شهری بی آتش بدوش در گذری
سراغ منزل تنهاییش گرفته و گذشت
کدام نشهٔ شبگر دراز مرگش را
به فرش خسته و خاموش سایه اش پاشید!
و درتمامت جریان لحظه ها امشب
کدام کس به نیایش نشسته فردا را!
که با هزار زبان روشنایی افشانی
چراغ آخر این کوچه سخت دلگیر است

(شعر چراغ آخر این کوچه ـ همان گزینه)

عاصی، طلایه دار شعر مقاومت بود، شعرش به وضوح فریاد گر دردهای آنانی بود که در زیر دیوارهای "کاه گلی" چشم به دنیا کشودند ولی مرگ شان در سنگر و دشت و کوه پایه ها بود ـ سرخ، خونین و شکوهمند:

کوه با آهی برون آمد زخویش
دشت با فریادی از خود در شکست
ده جبین آژنگ زخم خویش ماند
دره تابی خورد و در آتش نشست
سیل خشم از جا نجنبانید شان
بازهم دیوارهای کهگلی

(دیوارها / همان گزینه)

از عاصی شهید می توان ده ها نمونهٔ بارز و زیبا آورد ولی افسوس که این مقال گنجایش ومجالی برای آن ندارد. عاصی هرچند بر آن "ایده" هایش نماند؛ زیرا روزهایی که پیکرش را آتش بارهای سیاه دلان نشانه رفت وقلب بزرگ و پر آزدیش از تپش باز ایستاد، "سال خون سال شهادت" بود و او با جوانمردی حتی کارنامهٔ آنانی را هم نوشت که در پرواز های سبز شان، جانمایهٔ امیدهای او را در کابل، در کوچه کوچهٔ آن با خون در آمیخته پرپر کردند، روانش شاد.

ادامه دارد

ادبي پارچه

ش.زيارمل

دومره افراط او تفريط!؟

ويل کيږي چي يو نوکر بيچاره ته د خپل صيب له کوره سبا او بيگاه وچه ډوډی او شوملي راوتلي، نو کرچي د ژمي په يخ موسم کي د شوملو له لاسه په تنگ شو، کومي نوکري چي ده ته ئي د صيب له کوره ډودی راوړله هغي ته ئي وويل: گوره درخاني! د صيب غوا او ميښه يواځي همدا شوملي کوي او که نورڅه هم ...؟

نوکري په خواب کي ورته وويل: کومه ميښه چي صيب د نوکرانو لپاره اخيستي هغه يواځي همدا شوملي کوي بل شي نه.

د شودو او مستو ميښي او غواگاني خو صيب د خپلو خانونو او اولادونو لپاره رانيولي دي. د غريبانو او نوکرانو لپاره د خان صاحب د ميښو او غواگانو حاصل، يواځي همدا شوملي دي او بس.

موږ فکر کاوه چي په اوسني ولسواکۍ کي به د تيرو طبقاتي ټولنو له افراطي او تفريطي غير عادلانه چلند څخه وژغورل شو. او موږ به هم دخپل ذهني يا جسمي کار په مقابل کي. مناسبه اجوره او معاش ترلاسه کړو. خو حقيقت دادي چي که پخوا به خلکو ويل چي يو بام او دوه هوا نو اوس وائي چي يو بام او دري هوا.

څو ورځي مخکي مو د راډيو له لاري واوريدل چي د مخدره موادو د مخنيوي لپاره د نوي جوړ شوي وزارت د يو ټيټ رتبه کارکوونکي کم مياشتني معاش 200 ډالر او وروستي معاش ئي چه البته لوړ پوړيو چارواکيوته به ورکول کيږي (2000) امريکائي ډالرو ته رسيږي.

دغه راز لوي صيبان يا وزيران بيا هر مياشت په خپل عادي معاش سربيره له نړيوال بانك څخه هم (3000) امريکائي ډالر تر لاسه کوي چي که دواړه سره يوځاي کړونو ټول (5000) امريکائي ډالر يا (250000) افغاني کيږي حال داچي د صيب وفاداره، تعليم يافته او ماهر نوکر يا مامور صاحب، د مياشتي يواخي (2000) افغاني چي د پنځوس ډالرو معادل کيږي تر لاسه کوي.

که د ولسواکه نظام کړنلاره په دومره افراط او تفريط ولاړه وي نو تاسو ووايا ست چي عواقبت به ئي څه وي؟ دټولني د ډيري منوري مگر غريبي طبقي راتلونکي ژوند به څنگه وي؟ په بهرنيو مرستو به څوك وړسيږي؟ وطن به څنگه ودان شي؟

دلته ماته هغه د زمري، ليوه او گيدړي کيسه را په ياد شوه، چي په گډه ښکارته تللي و. زمري غوائي، ليوه پسه او گيدړي بيا سويي ښکار کړي وه، زمري ليوه ته مخ واړاوه چي ښکار وويشي. ليوه وويل صيبه ته زموږ مشر او په موږ کي سترئي غوائي ستا، پسه ئي زما او سوئي ئي دگيدړ. زمري په دغه راز ويش په غوسه شو او دليوه سترگي ئي ور وويستي. بيائي گيدړي ته مخ واړاوه چي ښکار وويشي. هغي له خپلي هوښياري نه کار واخيست او زمري ته ئي وويل: زموږ پاچا له تا قربان شم، غوائي به اوس وخوري، پسه به بيگاه ته کباب کړي او په دي وړه سوي به غاښونه تاوده کړي.

زمري چي د گيدړي په ويش خوشحاله شو نو ورته ئي وويل: آفرين دا ويش دي له چا نه زده کړي دي. گيدړي وويل صيبه داويش مي دليوه د سترگو له ايستلو نه زده کړي. زموږ خلك چي په تيرو استبدادي نظامونو کي دغه راز بي عدالتيو، تن پروريو، ظلم، افراط او تفريط زيات ځوروليدي نوري خپل زغم او حوصله له لاسه ورکړي هر يو په برندو او خلاصو سترگو د دولتي چارواکيو کړه وړه څاري، دا د تقوي او پرهيزگاري وخت دي، دا زموږ د چارواکيو لپاره د آزمايښت يو بل چانس دي وليدل شي چي بيا هم صيبان د خپلو سرکاري نوکرانو لپاره د پخوا په څير د وچي ډوډی او شوملو په فکر کي دي او که غواړي چي دهيواد خواران هم په گيډه ماړه او په تن پټ شي.

هيله من يوو چي د خپل سوالگر هيواد د خيرات پيسي بيا هم دلوي خيټو په خيټو کي پري نه وزي، افراط او تفريط پاي ته ورسول شي د ټولنيز عدالت لپاره فکر وشي او په دي لاره کي عملي گام پورته شي.

از بیست وپنجمین سالروز قیام خونین سوم حوت ...

شخصیت های جهادی و ملی، ژورنالیستان و تودهٔ بزرگی از شهریان کابل اعم از زن و مرد اشتراک ورزیده بودند.

این محفل با شکوه، با تلاوت آیاتی چند از کلام الهی آغاز گردید و سپس آقای مرتضی نیکزاد، نمایندهٔ شورای آزادگان در پیرامون موضوع صحبت نمود و در بارهٔ گزارش کمیسیون حقوق بشر گفت:

در سال ۱۳۶۴ چهار صد تن از محصلین دانشگاه کابل بنا به خاطر احقاق حق شان دست به اعتصاب زدند که در نتیجهٔ آن توسط رژیم وقت مدت ۴۵ روز در اتاق های نم ناک بدون آب و نان و پاپوش، زجر و شکنجه گردیدند و من خود شاهد آن می باشم که حتی حق رفتن برای رفع معذرت را هم نداشتیم.

این شمه یی از جنایات رژیم آن زمان است، که مورد توجه کمیسیون حقوق بشر باید قرار بگیرد. قبرهای دسته جمعی وصدها موارد دیگرنیز بایست مورد بررسی قرار گیرد.

پس از آن استاد اکبری رهبر حزب وحدت صحبت کرد و گفت:

سوم حوت یاد آور حرکت تاریخی و افتخار آفرین مردم کابل در برابر اشغالگران است ملت ما وقتی دین وکشور خود را در خطر اشغال دیدند، درجاده های کابل اعتراض خود را علیه این اهریمنان به گوش جهانیان رسانیدند و در نتیجه تعداد زیادی از برادران و خواهران ما، جان های عزیز شان را در راه خدا، وطن و حمایت از استقلال از دست دادند و جاده های کابل را با خون های پاک شان رنگین ساختند که این حادثه به عنوان یک خاطرهٔ تابناک در تاریخ ثبت است.

دنیا نیز شاهد این گونه حرکات در کشورهای مختلف بوده است اما شکست اشغالگران در افغانستان از برازندگی خاص برخوردار می باشد. این مبارزه ۱۴ سال دوام کرد و در طول این مدت ده ها هزار تن جان باختند.

با این که بهای سنگینی را مردم ما در این مدت متحمل شدند اما در نتیجه بر دشمنان فایق آمدند و اشغالگران به شکست فاحشی مواجه شدند که نه تنها کشور ما، که تمام منطقه از شر آنها رهانیده شد. اما به خاطر اغراض سیاسی، نه تنها از جهاد مردم ما تجلیل نمی شود بلکه هدف دسایس غیر منصفانه نیز قرار می گیرد.

جهاد مردم افغانستان معجزه آفرید ولی جای تأسف است که مورد بی مهری ها وهدف تهمت های ناجوانمردانه قرار می گیرد. ما نمی گوییم که در صف جهاد لغزشی وجود نداشته است، بلکه خطاهایی صورت گرفته که منشأ آن در خارج از مملکت بود.

درمیان مجاهدین کسانی شامل بودند که جهاد کردند، شکنجه دیدند، شهید شدند، بازماندگان شان امروز هم در مشقت به سر می برند ولی عده یی وجود دارند که سر انگشت را خروار می سازند.

ما یک کشور عقب مانده، ولی آرام داشتیم چه کسی این خانه و خرمن ما را آتش زد و بحران آفرید؟! ما این سوال را از کسانی می کنیم که داعی عدالت وحقوق بشر هستند.

بعداً استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت نیز در این همایش سخنانی پرمحتوا ایراد فرمود که متن کامل آن را در این شماره می خوانید.

خانم قدریه یزدان پرست عضو رئیسهٔ شورای شهروندان کابل سخنران دیگر این مجلس بود که روی عوامل تجاوز روس ها در افغانستان تماس گرفت و اظهار داشت.

از میان قیام های مردم این کشور یکی هم قیام سوم حوت بود که شب سوم حوت مردم کابل بر بام های خود بالا رفتند و با بلند نمودن صدای تکبیر بر دل دشمنان لرزه انداختند، این نعره ها از بام ها به کوچه ها و جاده های شهر پراگنده شد و مردم با دیانت وعلم بردوش ما شعار سر می دادند. اما دیری نگذشت که خونخواران متجاوز برآنها تازیدند و کوچه ها را از خون شیر زنان و شیر مردان رنگین ساختند ویکی بعد دیگری شهید شدند و تعدادی نیز به زنجیر استبداد بسته شدند.

سپس آقای حکیمی نعتیه یی را به خوانش



گوشه یی از همایش بزرگداشت از سوم حوت

گرفت که پس از آن استاد عبدرب الرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی افغانستان، صحبت کرد و گفت:

قیام سوم حوت چهار ویژگی عمده داشت:

– مردمی که در کوچه ها سرازیر شدند، به جز از سلاح نعرهٔ تکبیر دیگر هیچ نوع سلاحی را نمی شناختند.

– این قیام از متن دشمن ومرکز افغانستان صورت گرفت که تمام مراکز دشمن در کابل مستقر بود، و این به معنی خراب کردن مغز سر دشمن و مرگ بر دشمن بود و این مبارزه سودای جان در مقابل دین بود.

– هنوز هیبت شوروی از ذهن و دل مردم دور نشده بود و دوماه از آمدن قشون سرخ نگذشته بود، جرأت در مقابل ابر قدرتی که خود را اسطوره قلمداد می کرد و به پختگی نرسیده بود.



خانم فاطمه گیلانی



خانم قدریه یزدان پرست



مرتضی نیکزاد

– کسانی که قیام کرده بودند فکر عقب نشینی را در سر نداشتند و نه هم راه عقب نشینی داشتند، به نیت استقامت و پایداری قیام کردند چنانچه وضع موسمی و سردی هوا در آن روزها، یک مرگ تمام بود.

چه از سوم حوت صحبت کنیم و چه از ۲۴ آن، از قیام و جهاد مردم در شرق و یا غرب، شمال و یا جنوب کشور صحبت کنیم، در هر حال عزت و آبرومندی افغانستان در گرو بریق شمشیر مجاهدین است. اگرجهاد و اسلام را از تن این ملت دور کنیم به این ملت چیزی دیگر باقی نمی ماند و افغانستان نیز به جز جهاد چیزی قابل افتخار ندارد.

آیا به دیوار کابل افتخار کنیم و یا به بت های بامیان که مردم به آن سجده می نمودند.

هرکسی که با مجاهدین مخالفت و کینه می ورزد در حقیقت در سنگر ضد ارزش های تاریخی و ملی این کشور نشسته است. روزی را به یاد آورید که شوروی بر این کشور مسلط بود وحتی یک و نیم سال قبل از آن بعد از کودتای هفت ثور که هیچ کسی در خانهٔ خود آرام استراحت کرده نمی توانست و مردم بی گناه از خانه، راه و دفتر اختطاف و به کام مرگ کشانیده می شدند. همه جای این کشور حیثیت زندان را به خود گرفته بود.

آنها امروز جنایت کار نیستند اما مجاهدین با آن که برای آبرو و عزت این کشور سرهای خود را سپر ساختند جنایت کار خوانده می شوند.

کاری که ما انجام داده ایم جهاد است وجهاد یکی از فرایض اسلام می باشد و ما به آن افتخار داریم، کسی که جهاد را جنایت می گوید خودش جانی و دور از دایرهٔ اسلام است.

دشمنان اسلام هنوز اصل سخن را نگفته اند ما باید مردانه وار بایستیم، ما از جهاد خود پشیمان نیستیم چرا که پشیمانی از جهاد، پشیمانی از اسلام است و ما هرگز این کار را نخواهیم کرد.

کسانی که مجاهدین را جنایت کار گفتند کی ها اند و اصل گپ درکجاست؟

شما یک تنظیم را به نام شعلهٔ جاوید می شناسید، یک شاخهٔ این تنظیم به نام (راوا) یاد می شد و این ها به نام پیام زن یک مجله را نیز به چاپ می رساندند، حالا سؤال اینجاست که این فیصله علیه مجاهدین از طرف کمیسیون حقوق بشر صادر شده است یا از طرف شعلهٔ جاوید؟

من مجله هایی را در اختیار دارم که تاریخ طبع آن ها قبل از تاریخ حوادثی است که به نام جنایت مجاهدین خوانده شده است. در آن زمان مجاهدین را به نام جنایت کاران و ناقضین حقوق بشر یادکرده اند وحتی به مجاهدین دشنام داده اند.

تمام این ملت مجاهد است بناءً اینها به این ملت دشنام داده اند. بدبختانه همین مردم فعلاً در مورد این ملت قضاوت می کنند و در مورد این ملت راپور تهیه می نمایند.

این است بی طرفی و مستقل بودن این کمیسیون، من می خواهم بگویم:

ما از محاکمه نمی ترسیم، کاری را که انجام داده ایم به اساس وجایب دینی خود فهمیده انجام داده ایم و از آن انکار نمی کنیم و مردانه وار در این راه ایستادگی می کنیم.

ما به کی حسابدهی کنیم، آیا به راوا؟ اینان در آن زمانی که راکت بر سر شانه داشتیم وعلیه روس ها می جنگیدیم نیز ما را جانی گفته اند.

ما آماده هستیم که یک کمیسیون، عادل، بی طرف ومنصف به میان آید و از حمایت اکثریت این ملت برخوردار باشد، اولین کسی که به محاسبه حاضر شود من هستم.

نه از امروز بلکه از هشتاد سال به این طرف باید محاسبه شود و ما به موقع خود حساب خواهیم داد. ما در صف اول حقوق بشر قرار داریم و طرفدار آن هستیم.

درحالی که این ملت به استقرار و ثبات ضرورت دارد، دولت نیز هر روز کوشش می کند تا مخالفان دولت را از راه های مناسب در این حکومت سهیم سازد، کمیسیون موصوف می خواهد امنیت و ثبات را در کشور برهم زند. اما مجاهدین همیشه برای امنیت کوشیده وخواهند کوشید.

در این مجلس خانم فاطمه گیلانی نیز صحبت نموده گفت: در انقلاب افغانستان زنان همیشه دوشادوش مردان مبارزه کرده اند و جام شهادت نوشیده اند.

او علاوه کرد که هرکس بخواهد در مورد جهاد و مجاهدین چیزی بگوید به جایی نمی رسد. چون همهٔ این ملت مجاهد است حتی رئیس جمهور ومعاونان دولت این کشور.

آقای آذرخش حافظی نیز در این همایش صحبت نمود و گفت:

من به عنوان یک زندانی که ۹ سال وسه ماه و ۱۱ روز را در زمان تجاوز شوروی در زندان پلچرخی ودر شکنجه زارهای خاد سپری کرده ام، می گویم:

حوادث، قبل از آن که تاریخی شود از صفحهٔ تاریخ زدوده می شود.

من به عنوان یک دیگر اندیش می گویم که متأسفانه به نسبت زندانی بودن نتوانستم در جهاد با مردم کشورم سهیم شوم.

آزادی امروز و دستاوردهای متمدنانهٔ زندگی کنونی خود را، من مدیون جهاد می دانم با وصف این که حکومت مجاهدین آماج دسایس قرار گرفت و مصادف با یک زمان بی ثباتی وتغییر ساختاری بود. دنیای دو قطبی نابود شده بود و به جای آن دنیای نوین استقرار نیافته بود، در این وقت مجاهدین حکومت را به دست آوردند. بسیاری از مشکلاتی که مردم در دوران مجاهدین دیدند ناشی از تناقضات جهانی بود ولی درهمان دوران خونین وپر از دشواری ها ومشکلات حکومت، چیزهایی وجود دارد که من می توانم بگویم که این مجاهدین بودند که زندانهای سیاسی ۴۷ هزار نفری رژیم ما قبل خود را بستند و این مجاهدین بودند که حتی قاتلان و شکنجه گران را محاکمه نکردند. وهیچ مخالفی را به دلیل تفاوت نظر، دشمن تلقی نکردند هم چنان رهبر جهاد و رئیس جمهور اسبق کشور به صورت مسالمت آمیز ریاست جمهوری را به جناب آقای کرزی تسلیم فرمودند و یک آغاز نو و صفحهٔ نو را در تمدن تاریخی ما افزودند.

امروز همهٔ ما شاهد هستیم که اگر مجاهدین و رهبران جهاد از انتخابات حمایت نمی کردند و درآن سهم نمی گرفتند به این شکوه و زیبایی انتخابات صورت نمی گرفت.

چراغی را که ایزد بر فروزد
هر آن کش پف کند ریشش بسوزد

در لابلای این همایش شوراهای محلی پیام های خود را به مناسبت سوم حوت به خوانش گرفتند.

در اخیرمولوی عبدالمالک سخنرانی کردو گفت:

بزرگی و از خود گذری رهبران جهاد بود که دشمن را این گونه قوت بخشید. دشمنان جهاد و مقاومت افغانستان باید مرهون احسان مجاهدین باشند تا دشمنی با آنها. و مجلس با دعائیهٔ همین مولوی به پایان رسید.

از شنیده هایی که خواندنی است!

فقیری

نمی دانم این شنیده ها را که بازگو می گردد، طنز و فکاهی بنامم و باعث خنده و خوشوقتی خوانندگان و یا سبب تأثر و ناراحتی آنان؛ زیرا این شنیده ها حکایت گر عدم اطلاع وفهم گوینده از معانی کلمات، موضوع و یا سروده ها و یا مناسبت های آن است وهمچنین بخشی از خاطرات به یادماندنی نگارنده است که یکی دوتای آن درگذشته ها به دوستان حکایت شده است:

چهار شنیده ها مربوط می شود به سال های مهاجرت درپشاور، سه شنیده درکابل و از برنامه های تلویزیون و رادیو، دومطلب از دو کتاب در دو کشور ایران و پاکستان و یک شنیدهٔ جالب ایران که جمعاً شامل ده مطلب می گردد، از شنیده های تازه آغاز می کنم:

۱- تلویزیون طلوع مراسم سوگواری به مناسبت شهادت امام حسین رضی الله عنه و روز عاشورا را که در یکی از حسینیه های معروف شهر کابل ثبت شده بود، شام روز جمعه پخش می نمود. در این مراسم یک جوان مشغول روضه خوانی بود و سروده ها را از روی یک کتاب چاپی می خواند و عزاداران او را همراهی می نمودند. در بخشی از این سروده چنین آمده بود:

"حسین ابن علی امشب، نظر بر جبهه ها دارد"

با خود گفتم که این سروده با این مراسم چه نسبتی دارد؟ و منظور از "جبهه ها" کدام جبهه ها درکشور ماست!!

به فکر فرو رفتم و متوجه شدم که این سروده از سروده های دوران جنگ ایران و عراق است که روضه خوانان ایرانی جهت تشویق و تشجیع سربازان و رزم آوران ایرانی در جبهه های جنگ، آن را در محافل مختلف می خواندند و به رزمندگان میدان های نبرد و جبهه های جنگ می خواستند این اطمینان را بدهند که مشمول نظر لطف و مرحمت امام حسین می باشند.

و این برادر افغانی ما بدون توجه به موضوع و مناسبت سروده، آن را در مراسم عزاداری عاشورا در شهر کابل از روی یک کتاب چاپ شده در ایران به خوانش گرفته است!!

۲- سال گذشته تلویزیون کابل برنامه یی را پخش می کرد که در مورد آثار تاریخی غزنه بود. یک خانم در این باره متنی را با آواز خوش قرائت می کرد و از جمله گفت:

"اکنون در عهد شهریار جوان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه..." بدون شک که این متن مربوط به پنجاه سال یعنی نیم قرن گذشته و اوایل پادشاهی ظاهر شاه بود که ظاهرشاه در آن دوران شهریار بود وهم جوان! و گوینده و یا تهیه کنندهٔ برنامه، بدون توجه به این قسمت متن، آن را برای بینندگان تلویزیون ومعرفی آثار تاریخی غزنه انتخاب کرده بود!

۳- در سال اول جهاد وهجرت از رادیوی کابل جریان کنفرانس مطبوعاتی تره کی ـ که خلقی ها او را فیلسوف ونابغهٔ شرق می خواندند ـ پخش می گردید. ازا و در مورد پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرسیدند و او چنین پاسخ داد:

در ایران میان نیروهای فیودالی و بورژوازی در حال رشد تضاد وجودداشت و بالآخره نیروهای فیودالی بر بورژواز پیروز گردیدند! در حالی که طبق مفکورهٔ کمونیستی و پنج دورهٔ تاریخ ادعایی آنان و بر اساس جبر تاریخ، این بورژوازی است که بر فیودالیزم پیروز می گردد، و بالآخره دورهٔ سیوسالیزم فرا می رسد، ولی تحلیل تره کی چنان بود که گویا تاریخ به عقب برگشته است و این مطلب بسیار جالب، خنده آور و نشان دهندهٔ فهم، برداشت و تحلیل آن رهبر!! و نابغهٔ قرن!! بود.

۴- درسال های مهاجرت، کتابی را تحت عنوان "تاریخ پاکستان" به زبان اردو مطالعه می نمودم. نویسندهٔ

سخنران اول به زبان پشتو و سخنران دوم به زبان دری صحبت نمود و سخنران سومی که از آمریکا آمده بود و به زبان های ملی کشور خویش مسلط نبود، در آغاز سخنرانی گفت: من مدت بیش از ۲۵ سال در امریکا به سر برده ام و بنا بر این نه سفاهت فلان صاحب را در پشتو دارم و نه لجاجت فلان صاحب را در فارسی!
ومنظور اصلی گوینده فصاحت اولی و بلاغت دومی بود!

این کتاب محمد علی چراغ است و در کتاب خویش به تاریخ معاصر افغانستان نیز پرداخته و از جمله نوشته است:

"درسال ۱۹۷۳ پس از مرگ ظاهر شاه، داوود خان به تخت جلوس نمود!"

نویسنده و مؤرخ کشور همسایهٔ ما، اطلاع نداشت که ظاهرشاه نه تنها آن زمان زنده بود که تا هنوز حیات دارد و داوود خان جمهوریت قلابی را اعلام نموده بود وهرچند دارای صلاحیت های یک پادشاه وحتی بالاتر از آن بود (رئیس دولت، صدر اعظم، وزیر دفاع و وزیر خارجه) ولی به هر حال در جمهوریت موضوع تخت نشینی مطرح نیست!

۵- در شهر مشهد (حین ماموریت در قونسلگری افغانستان) میزبان یکی از دوستانی بودم که از کابل آمده بود و چند جلد کتاب و از جمله اطلاعات عمومی نیاز داشت، به مغازهٔ بزرگ انتشارات قدس رفتیم و اطلاعات عمومی را با چند جلد کتاب دیگر خریدیم. این کتاب گرچه در همان تازگی ها تجدید چاپ شده بود، ولی در ضمن آثار تاریخی یکی از شهرهای ایران، از "آرامگاه رضا شاه کبیر" نیز نام برده بود.

تعجب کردم که باگذشت بیش از بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سرنگونی رژیم شاهنشاهی، هنوز در کتاب هایی که تجدید چاپ می شود، اصلاحات لازم صورت نمی گیرد وجای تعجب است که درکشوری چون ایران که از لحاظ نشر و چاپ کتاب و ویرایش واصلاحات و اضافات در تجدید چاپ، سر آمد کشورهای منطقه است، همچو حزبی در یکی از کتاب های مهم (اطلاعات عمومی) دست نخورده باقی می ماند. ومن این مطلب را به مامورین نمایندگی وزارت خارجهٔ ایران در یکی از ضیافت ها گفتم و آنان با نا باوری وتجب آن را شنیدند و به اصطلاح کم آمدند!

۶- در تلویزیون پاکستان، معمولاً قبل از اخبار ساعت ۹ شب مقوله هایی از محمدعلی جناح (قائد اعظم) و یا شعری از علامه اقبال روی صفحهٔ تلویزیون می آید و در یکی از گفته های معروف جناح که بیشتر پخش می گردد، این جمله به نظر می آید:

"اگرگذشته راه صلواه پرعمل کرین ..."

اول این که درپاکستان به جای گذشته با (ذ) گزشته با (ز) می نویسند و دوم این که "راه صلواه" چه معنی دارد؟

بعدها متوجه شدم که این جمله باید "گذشته را صلوات" باشد که ما نیز آن را در محاوره و برای نپرداختن به گذشته و توجه به حال و آینده، به کار می بریم و به آن استناد می نماییم و در پشتو می گوییم که "تیر په هیر" تعجب است که تلویزیون یک

درسال های مهاجرت، کتابی را تحت عنوان "تاریخ پاکستان" به زبان اردو مطالعه می نمودم. نویسندهٔ این کتاب محمد علی چراغ است و در کتاب خویش به تاریخ معاصر افغانستان نیز پرداخته و از جمله نوشته است: "درسال ۱۹۷۳ پس از مرگ ظاهر شاه، داوود خان به تخت جلوس نمود!"
نویسنده و مؤرخ کشور همسایهٔ ما، اطلاع نداشت که ظاهرشاه نه تنها آن زمان زنده بود که تا هنوز حیات دارد

کشور و آنهم مقولهٔ بنیانگذار آن کشور را به صورت غلط پخش می نماید.

۷- در محیط مهاجرت (پشاور) شاگردان مکتب در محافل و اجتماعات سروده های جهادی را به صورت گروهی اجرا می نمودند و در یکی از این سروده های خیلی معروف تحت عنوان "شهیدم من، شهیدم من..." که اصلاً یک سرود ایرانی است، از جمله خوانده می شد:

منم سرباز روح الله که پیوستم به جند الله که در این سرود منظور از "روح الله" امام خمینی است زیرا نام اصلی او روح الله است. و معلم تهیه کنندهٔ ترانه به این امر توجه نداشته و یا از آن بی اطلاع بوده است.

۸- می گویند که یکی از وعاظ و یا ائمهٔ جمعهٔ یکی از شهرهای ایران در سال های پس از انقلاب ضمن ایراد خطابه و انتقاد از سیاست های غرب و به ویژه انگلستان (در دوران صدارت خانم مارگرت تاچر) می گفت: این آقای تاچر چنین می کند و این آقای تاچر چنان می کند و یا می گوید... یکی از حاضران با تقدیم یاد داشتی به او یاد آور شد که صدر اعظم انگلستان خانم تاچر است و نه آقای تاچر!

وخطیب مذکور با ملاحظهٔ این یادداشت، با یک مکث گفت که آهای، تازه این آقای تاچر، خانم هم هست!

۹- در سال اول جهاد و هجرت، در محفلی که به مناسبت اعلام یک تشکل جهادی جدید، دایر شده بود، سخنران اول به زبان پشتو و سخنران دوم به زبان دری صحبت نمود و سخنران سومی که از آمریکا آمده بود و به زبان های ملی کشور خویش مسلط نبود، در آغاز سخنرانی گفت: من مدت بیش از ۲۵ سال در امریکا به سر برده ام و بنا بر این نه سفاهت فلان صاحب را در پشتو دارم و نه لجاجت فلان صاحب را در فارسی!

ومنظور اصلی گوینده فصاحت اولی و بلاغت دومی بود!

۱۰- درهمان سال ها، برادران مجاهد با کلمات اردو که با زبان پشتوی محلی کاملاً آمیخته است، آشنا می شدند. یکی از دوستان می گفت:

چه کلمات و اصطلاحات خوبی در این جا به کار برده می شود که بسیار زیبا و شنیدنی است مانند:

متایی (یک نوع شیرینی)

میلاو(باچندین معنی و از جمله دیدار):

- ورسره میلاو شوی(با او دیدی)

- لاس میلاو که (دست بده)

- ماته په میاشت کي پنځه سوه روپی میلاویږي (ماهانه پنجصد روپیه به من داده می شود) وغیره.

همچنین کلمه کهولاو به معنی باز، گشاد، فراخ مانند:

- دروازه کهولاوکه(در را باز کن)

- زما جامه ډیره کهولاوه ده (لباس من گشاد است)

- زمونږ کور کهولاو ده (خانهٔ ما فراخ است) وغیره.

و این برادر در اخیر گفت که من همهٔ این کلمات را دوست دارم و از آن خوشم می آید و بنا بر این قصد دارم تا تخلص خود را کهولاو بگذارم.

حاجیان افغانستان در سرزمین ...

از عدم آگاهی از فرهنگ و آداب حج نشأت می کند چون وقتی حاجی به فرهنگ حج که در آن "فسوق و جدال راه ندارد" پای بند باشد با تحمل هرگونه مشکلی دست به این ناهنجاری ها نمی زند.

از موارد دیگر سطح پایین فرهنگ در برخی از حجاج افغانستان نداشتن آشنایی کافی به استخدام ابزارها و وسایل زندگی و برخورد سالم با محیط زیست در سرزمین حرمین و نپرداختن به آرایش و پیرایش مظهر و منظر خویشتن است.

اینها و ده ها مورد دیگر همه از مسائلی است که بی تردید جایگاه ملت ما را به عنوان یک ملت دارای تاریخ و تمدن شکوهمند و جایگاه کشور ما را به عنوان یک دولت اسلامی در این کنفرانس جهانی در دید دیگران حقیر می نمایاند. آدمی وقتی بیشتر به اثرات منفی این نمایندگی در این همایش جهانی وبزرگ پی می برد که وضعیت حاجیان افغانستان را با حاجیان دیگر کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای همسایه و نزدیک خویش مقایسه کند.

البته این وظیفهٔ وزارت محترم حج و اوقاف است تا در این باره به دقت بیندیشد وچارهٔ معقول ارائه دارد و به یقین این کاری بسیار دشوار نیست چون دیگران این تجربه را به موفقیت انجام داده اند کسانی که به هیچ صورتی وضعیت شان ا ز وضعیت ما بهتر نیست. اگرمسؤولان وزارت حج این کار را نتوانند انجام بدهند بهتر است دیگر به این پیمانه و بدین منوال حاجی نفرستند.

دامریکا دملی گارد ۲۸۰ نور سرتیری کابل ته راورسیدل

دائتلاف دپوځونو ویاند جګرن اریک برون ویلي دي چي د امریکا دمتحده ایالاتو دملي ګارد دوه سوه اتیا تنه سرتیري افغانستان ته رارسیدلي چي د تکتیک دښوني دښوونکیو په توګه وکارول شي دغه سرتیري به د پخوانیو هغو سرتیرو سره یو ځای شي چي مخکي د افغانستان دملي اردو په قطعاتو کي ځای پرځای شوي دي او شمیره دري سوه تنوته رسیږي. ویاند زیاته کړه تر ۲۰۰٦ کال پوري به دملي اردو د سرتیرو شمیر ۸۰۰۰۰ تنو ته ورسیږي چي دا به خو میاشتي مخکي له ټاکلي مودي څخه وي.

کودکان قربانی سرمای ...

سردی هوا و امراض تنفسی جان داده اند. به قول شهروندان ولسوالی دوشی ولایت بغلان حدود پنجاه کودک و بزرگ سال در اثر برف کوچ و مرض سیاه سرفه طی ده روز گذشته هلاک گردیده و ۲۵۰۰ رأس مواشی آنها نیز از بین رفته است. گزارش ها می رساند که احتمال تلفات بیشتر وجود دارد، زیرا کمبود مواد سوخت و خوراکی مردم را تهدید می کند.

با این که دولت کمیسیون خاصی را موظف ساخت تا اقدامات عاجلی را به خاطر آسیب دیده ها به انجام رساند اما کمیسیون به مانند ده ها کمیسیون دیگر نتوانسته است کار مؤثری را در این راستا انجام دهد. وزیر صحت عامهٔ کشور از مؤسسات غیر دولتی انتقاد کرد که در بسیاری ولایات کشور کار مفیدی را انجام نداده اند ونسبت به صحت و حیات انسان ها بی تفاوت بوده اند.

سخنی درباب گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر

قسمت دوم و آخر

وحید مژده

از ابهامات تخنیکی این گزارش که بگذریم، سؤالاتی هم در رابطه به تقابل مسائلی از این گزارش با اصول اساسی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان نیز مطرح است. دراین گزارش آمده است:

مادهٔ ۷۲ قانون اساسی افغانستان از تعیین شخصی که از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و حرمان از حقوق مدنی محکوم شده باشد به حیث وزیر جلوگیری می کند.

افغانستان اخیراً از سالهای جنگ و درگیری سر بیرون کرده است و محکوم شناخته شدن متهمین از سوی مجکمه در این زمان ناممکن است با وجود این همه مردم می دانند که اکثر رهبران احزاب و گروه ها و تنظیم ها مرتکب چنین جنایات در جریان جنگ شده اند. از همین رو این ماده که در چندین قسمت از قانون اساسی تکرار شده است، باید از لحاظ لغوی تفسیر نشود و یک تفسیرهدفمندانه از آن ارائه گردد. بنا براین از آنجایی که هدف مادهٔ ۷۲ قانون اساسی جلوگیری از تقرر مرتکبین جرایم ضد بشری در دستگاه دولت بوده است. رئیس جمهور مطابق با احکام قانون اساسی وظیفه دارد تا حداکثر فعالیتها را به منظور برآورده ساختن هدف این ماده انجام دهد.

اما فقرهٔ چهارم مادهٔ ۷۲ قانون اساسی در مورد شرایط وزرا چنین می گوید:

از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

منطقی اینست که تفسیر قانون اساسی در مواردی باید صورت گیرد که ماده یی از قانون مواجه به ابهام باشد در حالی که این فقره از ماده به حدی واضح و روشن است که نه تفسیر لغوی در آن گنجایش دارد ونه تفسیر (هدفمندانه). مگر این که بگوییم کمیسیون دراین گزارش خواستار تعدیل این ماده به شکلی است که به جای حکم محکمه، نظر همه مردم مد نظر قرار داده شود زیرا در گزارش آمده است که (همه مردم می دانند). در حالی که کمسیون فقط از ۴۱۵۱نفر از مجموع تقریباً بیست و چهار میلیون نفوس کشور نمونه گیری نموده است نه از همه مردم. اگر با نمونه گیری از یک اقلیت چهار و یا پنج هزار نفری بتوان به نظر همه مردم دست یافت پس چه لزومی دارد که کشور ها در مواردی با ریفراندم یا نظر پرسی از اتباع خویش مبالغ هنگفتی از پول را به مصرف می رسانند تا نظر فرد فرد مردم خویش را دریابند؟

اما اگر همه مردم می دانند که رهبران تنظیم ها حقوق بشر را نقض کرده اند، چه مانعی وجود که آنها اسناد و مدارک و شواهد خود را به محاکم ارائه نکنند؟ چرا محکوم شناخته شدن متهمین از سوی محکمه در شرایط فعلی ممکن نیست؟ اگر مشکل در سیستم قضایی کشور است می توان آن را اصلاح کرد اما این که عوامل مبهمی را جانشین پروسهٔ قضایی نماییم این خود تخلف از قوانین حقوق بشر نخواهد بود؟

مادهٔ دهم اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر می گوید:

هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیلهٔ دادگاه مستقل وبی طرف منصفانه و علناً رسیدگی بشود وچنین دادگاهی در بارهٔ حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او متوجه شده باشد، اتخاذ تصمیم نماید.

ونیز فقرهٔ اول مادهٔ یازدهم این اعلامیه تصریح می دارد:

هرکس که به بزه کاری متهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد.

و نیز مادهٔ بیست و پنجم قانون اساسی افغانستان می گوید:

برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی

> **اگر با نمونه گیری از یک اقلیت چهار و یا پنج هزار نفری بتوان به نظر همه مردم دست یافت پس چه لزومی دارد که کشور ها در مواردی با ریفراندم یا نظر پرسی از اتباع خویش مبالغ هنگفتی از پول را به مصرف می رسانند**

محکمهٔ با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بیگناه شناخته می شود.

کمیسیون در همین حد اکتفا نمی کند بلکه از رئیس جمهور تقاضا دارد تا اتهاماتی که بر پایهٔ گزارشهای اخیر بین المللی حقوق بشر به برخی از اشخاص مظنون به ارتکاب نقض حقوق بشر در گذشته وارد شده است را مد نظر قرار داده و از تقرر اشخاص ذکر شده در این گزارشها و آنانی که مشهور به نقض حقوق بشر در گذشته هستند خودداری و جلوگیری نماید. همچنین کمیسیون از رئیس جمهور تقاضا دارد تا کلیه نامبردگان در این گزارش ها را از پست

> **اما این که این کمیسیون به بهانهٔ اجراآت عاجل بخواهد روی مواد اعلامیهٔ حقوق بشر و قانون اساسی کشورپابگذارد و حتی مواد روشنی از قانون اساسی را (هدفمندانه) تفسیر کند، جنبه های عملی پیشنهادات این گزارش را زیر سؤال می برد.**

ها و ادارات دولتی برکنار کند...

تحت عنوان زمان بندی اجراآت عاجل فقرهٔ الف آمده است:

زمانی که مقرری های جدید در سطوح عالی در ادارات دولتی در نظر گرفته می شود کمیسیون اصلاحات ملکی و اداری باید در مورد واجد صلاحیت بودن کاندیداها از نگاه ریکارد حقوق بشری آنها با کمیسیون مستقل حقوق بشر مشوره نماید.

در این موارد یک مرحلهٔ سرنوشت ساز یعنی پروسهٔ قضایی برای محاکمهٔ متهمین حذف گردیده است. اشخاصی که در گزارش از آنان به عنوان (مظنون به ارتکاب نقض حقوق بشر) ذکر به عمل آمده، با مجرم در یک ردیف قرار گرفته و در مورد آنان حکم محکومیت صادر شده است. آیا گزارشهایی که از طرف یک مرجع، هرچند که این مرجع بین المللی هم باشد، می تواند جانشین حکم محکمه باشد؟

کمسیون حقوق بشر هم با استناد به همین گونه گزارش ها می خواهد در تشخیص واجد صلاحیت بودن کاندیدا در کمیسیون اصلاحات ملکی و اداری مورد مشوره قرار گیرد.

مردم افغانستان خواهان آن اند کسانی که حقوق بشر را نقض کرده اند مورد پیگرد قرار گیرند اما این پیگرد باید قانونی باشد. پروسهٔ قانونی و قضایی ایجاب می نماید تا نخست دادخواستی از جانب کساتی که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته اند علیه متهمین به محاکم ذیصلاح ارائه گردد. کمیسیون حقوق بشر می تواند در این روند به عنوان مدافع حقوق مدعیان سهم گیرد و مدعیان را در تدارک اسناد وشواهد محکمه پسند یاری دهد تا طبق قوانین ملی و بین المللی امکانات عادلانهٔ اتهام و دفاع فراهم آید اما این که این کمیسیون به بهانهٔ اجراآت عاجل بخواهد روی مواد اعلامیهٔ حقوق بشر و قانون اساسی کشورپابگذارد و حتی مواد روشنی از قانون اساسی را (هدفمندانه) تفسیر کند، جنبه های عملی پیشنهادات این گزارش را زیر سؤال می برد.

در اینجا بی مورد نخواهد بود اگر به موردی از محاکمهٔ یک مجرم به اتهام قتل و نقض حقوق بشر در افغانستان اشاره شود که در حالی که از طرف محکمهٔ کشور ما محکوم شد، حکم محکمه مورد اعتراض سازمان حقوق بشر بین المللی قرار گرفت. عبدالله شاه به اتهام قتل بیش از سی نفر محاکمه شد. او در محکمه به اعدام محکوم گردید و حکم نیز در موردش به اجرا درآمد.

پس از اعدام وی سازمان حقوق بشر بین المللی از طریق کمیسیون مستقل حقوق بشر اعتراضات خود به شیوهٔ محاکمهٔ عبدالله شاه را به ستره محکمهٔ افغانستان ارسال داشت که در آن ادعا شده بود که برای متهم در محکمه تمام امکانات لازم برای دفاع از خودش فراهم نگردید. دست های او در هنگام محاکمه بسته بود؛ محاکمه به صورت علنی صورت نگرفت؛ شهادت شهود مواجه به اشکال بود و حتی این که وی برای اعتراف تحت فشار قرار گرفته بود و اعتراضات بسیار دیگر. این اعتراضات در مورد کسی عنوان شد که حتی زنان و کودک خود را نیز کشته بود و نه تنها ده ها تن به جرمش شهادت دادند بلکه خود نیز به بسیاری از قتل ها معترف بود.

با توجه به چنین موردی که در کشور خود ما اتفاق افتاد، آیا می توان کسانی را بدون حکم محکمه به جزا محکوم نمود و مثلا او را از کار سبکدوش کرد؟ اگر چنین شود این کار، تا چه حد با موازین حقوق بشر همخوانی دارد؟

طالبان و مذاکره با ...

نیز نام عبدالرحمن احمد هوتک معین کلتوری وزارت اطلاعات و فرهنگ که به علت مخالفت با انهدام مجسمه های بامیان از وظیفه سبکدوش شده بود نیز نام برده شد که اینک در گروهی که به دولت پیوسته اند شامل نیست.

بنا براین طبیعی است که با گذشت زمان در ائتلافی تحت عنوان تحریک طالبان ما شاهد انشعاب های جدید باشیم. پیوستن طالبان به دولت اگر بتواند به تأمین صلح و امنیت در کشور کمک کند، قدم خوبی است اما سؤال عمده در این است که چرا باید ابتکار این عمل را سفارت آمریکا به دست داشته باشد؟ چرا در این کار دولت افغانستان نقش بعدی و ثانوی دارد؟

یکی از صاحب نظران در این مورد ابراز نظر نمود که در گذشته کسانی از گروه طالبان و یا حکمتیار از طریق دولت آقای کرزی این راه را آزمودند که راهی مواجه به شکست بود. نعیم کوچی از بزرگان قوم احمدزی، قوماندان غلام محمد و تورن امان الله از فرماندهان جهادی میدان وردگ با ارتباط و تضمین آقای کرزی به کشور بازگشتند اما توسط قوای ائتلاف دستگیر شدند. نعیم کوچی این اقبال را داشت که کسانی چون اشرف غنی احمدزی از وی حمایت کردند و در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری از زندان آزاد شد اما دیگران همچنان بدون وارد آمدن اتهام ویا محاکمه در زندان اند.

این کار موجب گردید تا طالبانی که از خشونت خسته اند نیز به تضمین های آقای کرزی اعتماد نکنند و سعی در ارتباط مستقیم با امریکایی ها داشته باشند. عبدالحکیم مجاهد به عنوان کسی که در گذشته نمایندهٔ طالبان در آمریکا بوده است شاید با بهره گیری از شناخت و ارتباطات توانسته باشد این ارتباط مستقیم را برقرار کند.

نکتهٔ دیگر عوامل منطقه یی در مقاومت طالبان است و این افراد از نظر منطقه یی به مناطق جنوبی کشور یعنی پکتیا وابسته اند. هرچند در پکتیا نیز مقاومت علیه دولت از جانب طالبان وجود دارد اما این مقاومت ها در ولایات قندهار، ارزگان، هلمند و زابل بیشتر است. مناطقی که تاکنون از آن افراد شناخته شده یی صف طالبان را به نفع دولت ترک نکرده اند و یا این که پیوستن آنان رسماً اعلام نشده است.

اعلام پیوستن یک گروه کوچک از ائتلاف طالبان به دولت شاید تأثیر چشمگیری بر انکشاف اوضاع نداشته باشد اما تأثیرات تبلیغاتی و روانی این اقدام بخصوص در میان طالبانی که هنوز در تردید به سر می برند مهم است. پس غیرمنتظره نبود اگر عبدالّطیف حکیمی سخنگوی طالبان این افراد را وابسته به طالبان ندانست و ملامحمد عمر رهبر طالبان نیز تهدید کرد که با گرم شدن هوا حملات طالبان برضد نیرو های دولتی و قوت های ائتلاف از سر گرفته خواهد شد. بعضی ها به این نظرند که بازگشت طالبانی که علیه مردم دست به جنایت نزده اند مانعی ندارد اما باید این نکته را در نظر داشت که اعلام عفو دولت، ادعا های مردمی را که احیانا از کسانی از طالبان ظلم دیده اند، باطل نمی سازد. مردم حق خواهند داشت تا در چنین مواردی از طریق مراجع قانونی و محاکم در جهت احقاق حقوق تلف شدهٔ خود اقدام نمایند.

د ائتلافي ځواکونو په زندانونو ...

ورځپانه زياتوي چي دابوغريب رسوائي دبد چلند پاي نه و بلكي امريكائي سر تيرو په عراق او افغانستان كي ورته چلند ته دوام وركړ او بنديان په ګوابنونو دارول شوي چي كه غږ پورته كړي نو د نامعلومي مودي لپاره به په بند كي وساتل شي. ورځپانه يو عراقي بندي ته اشاري كوي چي د ۲۰۰۳ كال په نوامبر كي د خپل شكايت بيرته اخيستلوته اړ ايستل شو په داسي حال كي چي له طبي پلټنو وروسته ددغه بندي ادعا سمه بلل شوي وه خو د تير كال په اكتوبر كي ئي دوسيه وتړل شوه ګارډين د امريكي دمدني آزاديو د ټولني ديوه وكيل جميل جعفر له قوله ليكي چي د امريكي دپوځونه دځپلو سرتيرو له لوري له بنديانو سره د كيدونكي ناوړه چلند له پلټنو سره ليوالتيانه لري. بلخوا د نوموړي ورځپاني په مقاله كي دبګرام په زندان كي هم د دوو بيلګو يادونه شوي او دعبدالقادر يوسف مصطفي په نامه يوه بندي دوكيل له خولي ئي ليكلي دي چي دوه سرتيرو په زوره دغه بندي ديوه ميز په سر رانسكوريدو ته اړويست او دريم تن ئي د "بيزبال" د لرګي په كارولو له ځوروني ډک جنسي سپكاوني وكړ

ورځپانه دوهمه بيلګه دعبدالرحمن احمد الديماوي په نامه يو بندي چي دوه كاله ئي په افغانستان او ګوانتانامو كي د امريكا د پوځ په زندانونو كي تير كړي دي وړاندي كوي او دنوموړي له قوله ليكي: چي ځلوبښت ورځي ئي په بګرام كي له ده څخه په بربنډه توګه شرمونكي عكسونه اخيستي دي.

ورځپانه په پاي كي زياتوي چي د پورتنيو ادعاوو او نورو ناوړه چلندونو په باب ئي دائتلاف دپوځونو قوماندانئي ته مخ اړولي دي دومره ځواب ئي تر لاسه كړي دي چي ګواكي پلټني دوام لري

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشــه هــای مقــالات غیــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۴۴ | چهارشنبه ۵ حوت ۱۳۸۳ | ۱۴ محرم الحرام ۱۴۲۶ -23 February 2005

طالبان و مذاکره با دولت

راوی



زلمـی خلیـل زاد سـفیر کبیـر و نمایندهٔ خـاص رئـیس جمهـور آمریکـا در افغانسـتان خبـر از پیوسـتن جمعـی از افـراد بلنـد پایـهٔ طالبـان بـه دولـت کابـل داد و روزنامـهٔ واشـنگتن پوسـت نیز اسامی این افـراد را بـه نشـر سـپرد. ایـن افـراد عبارتنـد از مولـوی ارسـلا رحمـانی و رحمـت الله واحـدیار دو تـن از معاونـــان وزارت در حکومـــت طالبـــان، مـــلا عبـــدالحکیم مجاهـــد نمایندهٔ طالبـان در نیویـارک و قاضـی حبیـب الله فـوزی شـارژدافیر سـفارت طالبان در عربستان سعودی.

افراد مذکور وابسـته بـه یـک جنـاح حرکت انقلاب اسلامی اند که به رهبری مولوی نصرالله منصور در گذشته از ایـن حرکت انشعاب کرده بودند و با به میـان آمدن تحریک طالبان بـه ایـن تحریـک پیوستند و از جنـاح هـای پرقـدرت ایـن تحریک بودند. قدرت این گروه را از آنجا می توان دریافت کـه مخالفـت آنـان بـا حکمتیار، پیوستن او به تحریک طالبـان را ناممکن ساخت. زیرا آنان در قتل رهبر خود مولوی نصرالله منصـور حکمتیـار را دخیل می دانستند.

امـا ایـن قـدرت بـا سـقوط رژیـم طالبان تضـعیف شـد. گروهـی کـه سـه نفر از چهار نفر فـوق نیـز در آن شـامل بودنـد، تنظـیم جدیـدی بـه نـام خـدام الفرقـان را اسـاس نهادنـد و امـین مجـددی را بـه عنـوان رهبـر آن برگزیدنـد در حـالی کـه اعضـای دیگری از این تنظـیم از جملـه مولـوی سـیف الـرحمن پسـر مولـوی منصـور و بسـیاری دیگـر بـه ایـن تنظـیم جدیـد نپیوستند.

یکـی از صـاحب نظـران در رابطـه به تحریک طالبان ابـراز نظـر نمـود کـه گـروه طالبـان یـک سـازمان یـا حـزب سیاسـی واحـد و مسـتقل نبـود بلکـه تحریـک یـا بـه عبـارهٔ دیگـر ائتلافـی بـود بـه خـاطر رسـیدن بـه اهـداف مشـترک. آنهـا بـرای رسـیدن بـه اهدافی گـرد هـم آمدنـد کـه دسترسـی بـه آن بـه صـورت جداگانـه ممکـن و میسـر نبـود. در ایـن ائـتلاف افـراد، انشـعابها، و گـرایش هـای مختلـف گـرد هـم آمدنـد کـه نـه تنهـا شـامل احـزاب جهـادی سـابق بودنـد بلکـه در مقطعـی از زمـان، عناصـری از خلقـی هـای سابق نیز در میان آن قابل رویت شد.

در زمزمـه هـایی از مخالفـت علیـه اقـدامات ناعاقبـت اندیشـانهٔ طالبـان، وزارت خارجـه و وزارت اطلاعـات و فرهنـگ طالبـان بـه عنـوان مراکـز تجمع مخالفـان شـناخته مـی شـد و در گروه خدام الفرقان ص۷

عملیات جستجوی قربانیان هواپیمای کام ایر توقف یافت

روز پنجشـنبه ۲۹ دلـو گـروه جسـتجو گـر پـس از چهـارده روز از سـقوط هواپیمـای کـام ایر از ساحه یی در جنـوب کابـل اعـلام داشـت که با مساعد شـدن هـوا توانسـته اسـت، اجسـاد تعدادی از قربانیان را به دست آورد.

سـخنگوی وزارت دفـاع گفـت: اجسـاد ۱۴ تن از قربانیان این سـانحهٔ هـوایی را بـه دسـت آورده انـد. ایـن اجسـاد بـه جـای نـامعلومی انتقال یافته اسـت. گفتـه شـده اسـت کـه ایـن اجساد پارچـه هـایی از بـدن ایـن قربانیـان مـی باشد. درمیـان آنهـا فقـط جسـد یکـتن از عملـهٔ پـرواز بـه صـورت مکمـل تـا کنـون بـه دسـت آمده است. وحـالا بـه علـت نـامعلومی عملیـات جستجوی قربانیان متوقف گردیده است.

سـخنگوی وزارت دفـاع اعـلام داشـت کـه در هفتهٔ بعد ایـن عملیـات از سـر گرفتـه خواهـد شـد. هفتـهٔ گذشـته پـس از آن کـه جعبـهٔ سیاه هواپیما دریافت گردیـد بـه امریکـا انتقـال یافـت. از سرنوشت این جعبـه تـا کنـون هـیچ خبـری در دسـت نیسـت. آژانـس خبرگـزاری پـژواک روز یکشنبه اول حوت گزارش داد کـه تـا هنـوز ایـن جعبه به آمریکا نرسیده است.

د ائتلافی ځواکونو په زندانونو کی د بندیانو حالت

په لنـدني کـي دګـارډين د ورځپاڼي دفبروري د اتلسمي نيټي په ګڼـه کـي يـو مطلـب خپـور شـوي چـي خينـي غـټ ټکـي ئـي درنـو لوسـتونکيوته وړاندي کيږي.

ګـارډين وائـي پـه کنـدهار او بګـرام کـي د ائتلافـي ځواکونـو زندانونـه ګـټ مـټ د عـراق د ابـو غريـب زنـدان تـه ورتـه والي لـري او نومـوړي زندان تـه پـه ورتـه بنـه جـسمي خـوروني، سـپکاوي او پـر هغـوي جنسـي تـيري شـوي دي خـو د ګـارډين ورځپاڼـه ټـوپير پـه کـي دابـولي چـي د ابوغريـب پوځيـانو هغـه وکـړه چـي پـر دغـه راز تيريو او ناوړه چلند پرده واچوي 7مخ

حاجیان افغانستان در سرزمین ...



بزرگ بعضی از شرکت های هوانـوردی خـارجی را استخدام کند. همچنان در تکت های آریانا زمان رفت و برگشت حاجیان مشخص نشده بود و ایـن خـود عامـل بروز برخی از نابسامانی ها و آشفتگی ها در کار حاجیان در مدت اقامت شـان در مکـه و مدینـه گردیـد. چـون حاجیان دقیقاً نمی دانستند که کدام روز و چـه سـاعتی باید سرزمین حجاز را به قصد کشورش ترک کننـد لـذا باید مرتباً به مرکز هیئت حجاج افغانستان (بعثة الحج) وارد می شدند و می خواستند تاریخ دقیق بازگشت خود را بدانند تا برنامهٔ خویش را بر پایهٔ آن تنظیم نمایند ولی این کار میسر نبود و چه بسا که منجر به بـروز غوغـا و تظاهرات از سوی حاجیان می شد. برخـی از مسـؤولان وزارت حج و اوقاف می گفتنـد شـرکت آریانـا بـا ایـن وصف از هر حاجی ۸۵۰ دلار برای رفت و برگشت مـی گیرد در حالی که بسیاری از شـرکت هـای هوانـوردی دیگر حاضرند با ۵۰۰ دلار این کار را انجام بدهند.

برخی از حاجیان دیگر در مکهٔ مکرمـه از دور بـودن محل مسکن خود از حرم شریف شـکایت مـی کردنـد. راستی برخی از حاجیان در محـلات نزدیـک بـه حـرم مسکن داده شده بودند اما برخی دیگر از ایشان در جای هایی اسکان داده شده بودند که از حـرم چنـدین کیلـو متر فاصله داشتند و گاهی به دشواری می توانسـتند بـه ادای نمازهـا بـه مسـجد الحـرام برونـد. عـده یـی از مسؤولان شرکت های متولی اسکان حاجیان می گفتند ما می توانستیم در مناطق نزدیک تر به حرم به حاجیان مسکن تهیه کنیم ولی به دلیل اصرار متولیـان شـرکتی که اسکان همهٔ حاجیان را قرار داد کرده اسـت مجبـور شدیم مناطق دور تر از حرم را بربگزینیم!

یکی از موارد غوغا بر انگیز مسألهٔ غذای حاجیـان بود، گاهی در برخی از سـاختمان هـا بـرای برخـی از حاجیان غذا نمی رسید؛ یا شرکت متصدی غذا رسانی نمی توانست غذا را برسـاند ویـا شـماری از حاجیـان بیشتر از سهم خود از غذا را می برداشتند، لاجرم این کار غوغا وبی نظمی ایجاد می کرد. گاهی این کار به مورد ضرب و شتم قرار گرفتن موظفان ساختمان هـا که به مسألهٔ غذا رابطه یی نداشتند، می انجامید.

در چنین موردی بعضـی از شـرکت هـای مسـؤول اسکان در رسانیدن غذا به حاجیان تلاش می ورزیدنـد. تلاشهای حاجی نیاز وحـاجی عـادل دوتـن از متصـدیان اسکان حجاج به باور بنده در این زمینـه سـتودنی اسـت، شاید کسانی دیگر هم وجود داشتند که از دید من بـه دور مانده باشند.

در مدینه چند روز در برخی از سـاختمان هـا غـذا نرسید، احتجاج واعتراض حاجیـان بـالا گرفـت، سـر انجام با مداخلت وزارت حج عربستان سعودی قـرارداد تهیهٔ غذا با شرکت پیشین فسخ شد و بایـک شـرکت دیگر قرار داد جدید عقد گردید. در برخی از ساختمان ها شرکت جدیـد غـذاهای گندیـده را توزیـع کـرد و چندین حاجی مسموم گردیدنـد، وزارت حـج سـعودی درپی این حادثه تهیه وتوزیع غذا های پختـه شـده را ممنوع قرارداد و توصیه کرد که به جای غذای پختـه شده نان خشـک و میوه و نوشابه بـرای حاجیـان داده شود وچندین روز چنین کاری انجام پذیرفت!

بعضی ها می گفتند کـه ایـن مشـکل از ایـن جـا ناشی شده است که مسـؤولیت غـذای یـک گـروه از حاجیان به یک شرکت و مسؤولیت اسـکان آنـان بـه شرکتی دیگر داده شده است و اگر غذا واسکان یـک گروه از حاجیان بـه یـک شـرکت سـپرده شـود ایـن مشکل تا حدی حل خواهد شد.

یکی از مسائل بسیار جنجال بر انگیـز در حـج امسـال مسألهٔ قربانی بود. هر حاجی مبلغ صد دلار یعنی ۳۷۵ ریال سعودی پول قربانی برای وزارت حج و اوقاف سپرده بـود و وزارت حج و اوقاف ذبح سی هزار گوسـفند را بـا شـرکتی قرار داد کرده بود و برای انجام این کار کارت هـایی ویـژه برای حاجیان تهیه شده بود، چون حضور سی هزار حـاجی در کشـتارگاه متعـذر بـود لاجـرم مسـؤولان وزارت حـج نمایندگانی از حاجیان را به عنوان شـاهد ذبـح سـی هـزار گوسفند به قربانگاه می بردنـد ولـی حقـا کـه ایـن کـار را سـازمان داده نتوانسـتند و در نتیجـه ایـن شـایعه درمیـان حاجیـان بـالا گرفـت کـه مسـؤولان وزارت حـج قربـانی حاجیان را نکردنـد و ایـن مسـأله بـه یـک بحـران بسـیار گسترده درمیان حجاج افغانستان تبدیل شد، در حالی کـه مسؤولان وزارت حج می گفتند سی هزار گوسـفند را ذبـح کردیم وحاجیان نمی پذیرفتند. بحران عدم اعتماد در ایـن مسأله درمیان حجاج به اوج خود رسیده بود.

از آقای هاشم زی رئیس هیئت نظارت بر ذبح قربانی و مولوی راسخ عضو هیئت ورئیس حج و اوقاف بدخشان پرسیدم آیا شما واقعاً سی هزار گوسفند را سر بریدید؟

آنـان پاسـخ دادنـد مـا بیشـتر در آرام کـردن اوضـاع و جلـوگیری از بـی نظمـی حاجیـان تـلاش مـی کـردیم و از لحـاظ عملـی شـمارش سـی هـزار گوسـفند در چنـد سـاعت در قربانگـاه کـاری بسـیار دشوار است، ما بیشتر بـه قـول صـاحب شـرکت کـه می گفت این دسته، پنج صـد تـا یـا شـش صـد تـا گوسفند است اعتماد مـی کـردیم، بـه ایـن گونـه مـا تعـداد سـی هـزار گوسـفند را ذبـح کـردیم، امـا بسیاری از حاجیان به ایـن اظهـارات بـه دیـدهٔ شـک و تردیـد مـی نگریسـتند. بعضـی هـا مـی گفتنـد راه حـل ایـن مشـکل ایـن اسـت کـه مسـالهٔ قربـانی را وزارت حـج بـه خـود حجـاج وابگـذارد و آنـان مـی توانند قربانی شـان را یـا شخصـاً خـود انجـام بدهنـد و یا به گونـهٔ مطمـئن توسـط تحویـل دادن پـول بـه نماینـدگی هـایی از مؤسسـات و بانـک هـا کـه در ساحات قربانگاه فعالیت دارد.

بسـیاری هـا گفتنـد کـه در همـهٔ ایـن مـوارد ذکـر شده به گونـه یـی پـای معـاملات مـالی درمیـان اسـت ولی تأییـد و رد ایـن مسـاله از صـلاحیت نویسـندهٔ ایـن سطور نیسـت ویقینـاً ایـن مهـم را هیـأت بـا صـلاحیت ریاسـت محتـرم کـه در رأس آن آقـای دکتـر عزیـز الله لودین قرار داشت انجام خواهد داد.

یکی از موارد بسیار بارز در بزرگ کردن این دشـواریها و افزودن اشکال بر مشکل ها سطح پایین فرهنگ و آگـاهی شماری زیاد از حاجیان بود، آنان در حالت بروز یـک چنـین مشکلاتی به جای آن که با شیوه یی معقـول در پـی حـل مشکل برآیند با تصرفات ناشیانه بر مشکلات مـی افزودنـد به گونهٔ مثال وقتی پرواز های هواپیماها بـه علـت برفبـاری شدید در کابل چندین روز متوقف شد برخی از حاجیـان بـه جای صبر و تحمل در مکه و مدینه دسـت بـه احتجـاج و تظاهرات زدندو حتـی چنـدین بـار بـه مرکـز هیئـت حـج افغانستان در مدینهٔ منـوره یـورش بردنـد و موظفـان آن را مورد شتم و تهدید قرار دادند و به مسؤولان بلند پایهٔ دولتی هم ناسزا گفتند، به حدی که ناگزیر نیروهای امنیتی کشـور عربستان سعودی برای حفظ امنیت اطراف دفتر هیئت حـج افغانستان را در کنترل خود در آوردند و کـار مرکـز تعطیـل شد و از این ناحیه نیز مشکلاتی بر مشکلات پیشین افزوده آمد این ها بیشر ص۶